

مجله معماری-هنری
معمارانه
تابستان ۱۴۰۳
سال دوم شماره اول



در این شماره

- مقدمه ۲
عیسی ذکایی
- بحران‌های جهانی و شکل‌گیری نوین شهرها ۳
عبدالحسین توکلیان
- احیا و بازآفرینی بندر تاریخی کنگ ۷
شیوا آراسته
- فضاهایی برای ارتباطات انسانی ۱۳
زندگی درونی دو میدان شهری در فیلادلفیا: میدان ریتم هاوس و واشنگتن
عبدالحسین توکلیان
- یک استاد دانشگاه - بیوگرافی و آثار ۱۹
مجدالدین حاجی زاده
- یک معمار - بیوگرافی و آثار ۲۱
ابراهیم سینا
- ماموریت برنامه‌ریزی مسیر سبز در برندسازی شهرها و هویت مکان‌ها ۲۵
فرشته حبیب
- یک عکاس - بیوگرافی و آثار ۳۹
هادی نوید
- دوره شانزدهم جایزه معماری آفاخان (۱۴۰۳-۱۴۰۴) ۴۵



رقص ایرانی
عکس از هادی نوید

عوامل مجله

• صاحب امتیاز: گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی

• مدیران مسئول: الهه مایانی، عیسی ذکایی

• هیئت تحریریه: فرشته حبیب، خسرو بزرگی، سید محمد بهشتی شیرازی، عبدالحسین توکلیان

• مشاور مجله: فرخ درخشانی

• مترجم: اسماعیل باقری دوست

• طراح گرافیک و صفحه آرا: فرهاد ابوناصری

دانشگاه ملی ایران از سال ۱۳۳۸

website:

memarmelli.com

Email:

memarmelli2023@gmail.com

Instagram:

memarmeli_oh

memarmellijournal2023

archway_group

مقدمه

شماره دوم ژورنال در شرایطی ارائه می‌شود که طی مدت سپری شده از انتشار اولین شماره، تحولات زیادی رخ داد. بدلائل حرفه‌ای، گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی تصمیم گرفت، روند تهیه شماره‌های آتی ژورنال را بطور مستقل ادامه و بصورت دیجیتالی ارائه دهد.

معرفی و ارائه توانایی‌های فارغ‌التحصیلان و اساتید دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی در حوزه‌های معماری، هنری، فرهنگی، ورزشی، پژوهشی و مدیریتی - ارائه مقالات علمی و پژوهشی و نیز طرح‌ها و پروژه‌های ارزشمند معماری و شهرسازی، همچنین معرفی معماران جوان و فعال در داخل و خارج از کشور در مجله، از فعالیت‌های گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی می‌باشد.

این افتخار ماست که اعضای هیئت تحریریه، قدرت و توانایی اندیشه قشر جوان به درستی می‌شناسد و با استفاده از دانش و تجربه گرانبهای خود در این عرصه، علاوه بر دلگرمی، راه را برای پیشرفت ژورنال، هموار کرده‌اند. این افتخار ماست که با هماهنگی و همکاری با دفتر جایزه معماری آقاخان پروژه‌های مطرح در دوره‌های مختلف جایزه و اخبار فعالیت‌های این موسسه را ارائه دهیم. این موفقیت میسر نبود، مگر با حمایت و اعتماد ریاست و مجموعه جایزه آقاخان نسبت به گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی.

این گروه و اعضای آن امیدوار است در ادامه فعالیت، ضمن معرفی مجموعه‌ای ارزشمند، منبع و آرشوی غنی برای پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان به تاریخ شفاهی و فعالیت‌های فارغ‌التحصیلان دانشکده، به یادگار بگذارد.

و اما آنچه در این شماره می‌خوانید، معرفی یکی از پروژه‌های شرکت‌کننده در دوره پیشین جایزه معماری آقاخان است که از کشور ایران ارائه شده بود. همچنین یک مقاله علمی، تحت عنوان برندسازی شهرها و معرفی دو کتاب، یکی، بحران‌های جهانی، شکل‌گیری نوین شهرها، دیگری، کتاب فضاهایی برای ارتباطات انسانی، ارائه می‌گردد. معرفی یکی از اساتید بنام دانشکده و معرفی دو معمار ملی خوشنام در عرصه معماری و عکاسی حرفه‌ای از دیگر مطالب خواندنی این شماره است. در انتها اخبار مربوط به دوره جدید جایزه معماری آقاخان به اطلاع خوانندگان رسانده خواهد شد.

در شماره بعدی مجله، آخرین اخبار مرتبط با جایزه معماری آقاخان، روند داوری و معرفی برندگان دوره جدید، معرفی فعالیت‌ها و رزومه اعضای کانون معمار ملی، همچنین، معرفی آثار هنری و معماری یکی دیگر از اساتید دانشکده و یکی از معماران ملی به نظر خوانندگان خواهد رسید.

عیسی ذکایی | مرداد ۱۴۰۳

بحران های جهانی و شکل‌گیری نوین شهرها

عبدالحسین توکلیان

مطلب حاضر، برگرفته شده از یکی از عناوین مورد بحث در کتاب "زیباشناسی زمان و مکان" است که به بررسی تاثیر بحران های جهانی بر روند شکل‌گیری شهرها، می‌پردازد.

مقایسه میان بافت مسکونی حومه و بافت مسکونی شهری و بررسی تراکم آنها، حاکی از بالا بودن تداخل و کنش‌های شهروندی در شهرهای امروزی دارد. میزان و نحوه برخورد و تعاملات انسانی در فضای باز شهری که دارای مراکز عمومی چون: مراکز خرید، تفریحی، فرهنگی و مراکز غذایی هستند، شدت بیشتری دارد. در طرح‌های معماری و شهرسازی، ارزش فضاهای جمعی و عمومی، اهمیت بالایی داشته که در صورت ترکیب با فضای مکتب و توقف، منجر به پویاتر شدن تقابل اندیشه‌های انسانی می‌شود.

بحران‌های رخ داده در سطح جهان، باعث تغییر در ساختار شهرها و شهروندی می‌شوند. شیوع طاعون، جنگ و مرگ‌ومیر ناشی از بلایای طبیعی، علاوه بر از بین بردن جوامع بشری، آسیب جدی به محیط‌زیست و تنوع جانوری وارد می‌کند. یکی از آخرین بحران‌های بشری طی چند دهه اخیر، پاندمیک یا کرونا بود.

با شیوع کرونا در زمستان سال ۲۰۱۹ میلادی (۱۳۸۹ شمسی) ارزش فضاهای جمعی متزلزل شد. رعایت فاصله اجتماعی، زندگی شهری را دچار چالش و دگرگونی اساسی کرد. مکان و فضای اجتماعی، به فضای مجازی تبدیل شد. رنگ و لعاب فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، سیاسی، مدیریتی و تفریحی در فضای مجازی، جلوه واقعی پیدا کرد.

سالها بود که معماران و شهرسازان جهت افزایش تعاملات جمعی و گروهی، به مبحث زیبایی‌شناسی و زیباسازی شهری (سیتی بیوتی فول) اهمیت ویژه‌ای می‌دادند و در تلاش بودند، ضمن پیوند فضاهای باز شهری با معماری، ارتباط و همبستگی اجتماعی را افزایش دهند. ریچارد سنت؛ در کتاب "سقوط و نابودی فرد اجتماع‌گرا" در سال ۱۹۷۷ میلادی ضمن هشدار در خصوص نابودی فضاهای زنده شهری، به این نکته اشاره کرده است که: نفوذ ارتباطات جمعی در جهت افزایش سلطه احساسات فردی، مهمترین عامل نابودی فضاهای شهری است. میزان تاثیرگذاری ارتباط در بعد مکانی در مقایسه با ارتباط در شبکه‌های مجازی، چه میزان است و تا چه حد قابل رقابت با یکدیگر هستند؟ تا زمانی که تبادل اندیشه و ارتباط افراد، در کسری از زمان، میلیون‌ها نفر را به یکدیگر پیوند می‌دهد، ارزش ارتباط رخ به رخ و حضوری، چه ارزشی خواهد داشت؟ با توجه به گذشت حدود ۵ سال از همه‌گیری، هنوز بسیاری از روابط، سیر طبیعی خود را بدست نیاورده و شبکه‌های مجازی، قطب اصلی فعالیت‌های اجتماعی و فردی را تشکیل می‌دهند.

معماران و طراحان شهری، به ویژه برنامه‌ریزان شهری، می‌توانند با خلاقیت خود، فضاهایی با جاذبه‌های جمعی کنترل شده را ایجاد تا کمبود تعاملات گروهی، برطرف گردد.

حفظ و گسترش فضاهای باز و ترکیب با عناصر بازی و سرگرمی با هدف ارتقا در خلاقیت ذهنی، افزایش تعاملات جمعی و ایجاد تفکر در افراد، به ویژه کودکان، یکی از اهداف مقابله با فضای مجازی است که طی دوران کرونا، گستره وسیعی از جوامع را تحت سیطره خود قرارداد است.

گروهی از صاحب‌نظران بر این باورند که تغییرات اجتماعی ایجاد شده در دوران کرونا، نظیر: دوری از جمع، مهاجرت به نقاط دور و خلوت و ایجاد انزوای فردی، باعث افزایش ارتباطات مجازی و تبدیل به یک عادت اجتماعی شده، به گونه‌ای که در شکل‌گیری شهرهای آینده، تاثیر بسیاری خواهد گذاشت. ضمن اینکه رشد و نفوذ هوش مصنوعی در زندگی جوامع پیشرفته و در حال توسعه، زنگ خطری است جدی، برای شهرسازان و برنامه‌ریزان طراحی شهری در آینده‌ای نه چندان دور.

آیا می‌توان انسانیت را از انسان مجزا و به گوشه‌ای انداخت؟





ملوین وبر، محقق شهرساز، حدود نیم قرن پیش، چنین پراکندگی زیستی را پیش‌بینی کرده بود. او فرهنگ و تمدن یک جامعه را با انباشتگی ارتباطات مجازی، مقایسه و معتقد بود که توسعه ارتباط مجازی ضمن ایجاد گسست و پراکندگی، باعث تمرکززدایی شهرها خواهد شد. در نتیجه چنین سلطه‌ای، خدمات و سرویس‌های شهری از فضاهای زندگی و هسته‌های زیستی، منفک خواهند شد. تئوری و آینده‌نگری "وبر"، زمانی مطرح شده بود که اینترنت و فضای مجازی (مشابه آنچه امروزه شاهدش هستیم) وجود نداشت. اما اکنون این تئوری، بعد از دوران کرونا، حیاتی نوین گرفته و تجربه گسستگی انسانیت را در اوج خود به نمایش می‌گذارد.

آیا فضای مجازی یک فرهنگ یا یک تمدن را پایدار می‌کند؟ آیا دوری از دیگران می‌تواند همبستگی بشری و فرهنگ را افزایش دهد؟ چه عواملی تماس مستقیم فردی را از تماس مجازی متمایز می‌کنند؟

شیوع و ماندگاری کرونا در سویه‌های جدید، آزمونی است بر تئوری "وبر"، تئوری بی‌شهری یا همان گسستگی شهری. کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی از یک سو، افزایش درک جوامع از اهمیت آموزش حضوری و کمبود آموزش مجازی از سوی دیگر، موضوعاتی است که اهمیت آن بر جوامع، آشکار شد. چرا که هر دو موضوع، تاثیر بسیاری در روند زندگی جوامع دارند.

قدرت گرفتن رسانه‌های تصویری و ارتباطی، به ویژه در دوران کرونا، باعث شده تا ملاقات‌ها و گفت‌وگوهای مجازی، آموزش، تفریح و حتی گوش دادن به کنسرت‌ها و اجراهای مجازی، حس واقعی بودن در جمع و تبادل نظرهای گروهی و رو در رو را از بین برود.

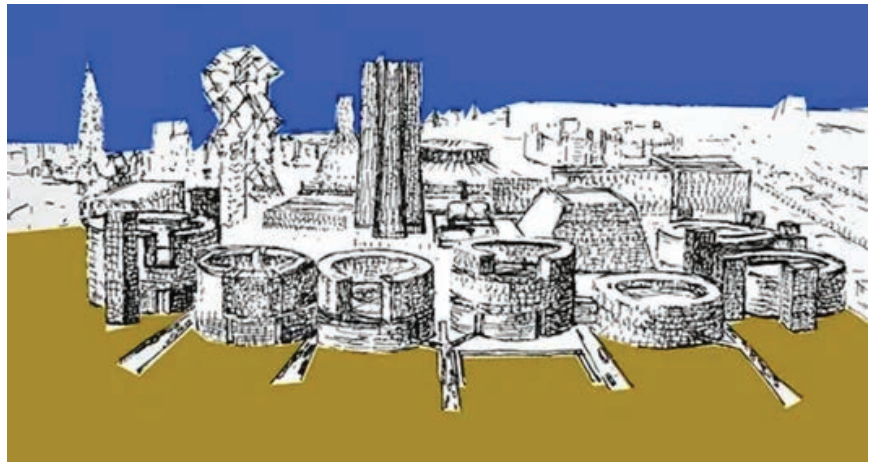
برای مثال، اجرای کنسرت زنده و در حضور مردم، نه تنها تعاملی است بین نوازندگان یا یکدیگر، بلکه انتقال حس مشارکت بین مردم حاضر در صحنه با گروه نوازنده به زیبایی انجام و شور و شغف مضاعفی ایجاد می‌کند.

گرچه به نظر می‌رسد، پدیده کرونا که اکنون در سویه‌های مختلف و جهش یافته در حال انتشار در سراسر جهان است، نتواند باعث از بین رفتن تمدن بشری شود، اما معماران و طراحان شهری باید با خلاقیت خود، فواصل اجتماعی با حضور ماسک، را تبدیل به فواصل دوستی و فواصل معاشرت کنند. اینکه چگونه می‌توان به این هدف رسید، ریچارد سنت؛ در کتاب "سقوط و نابودی فرد اجتماع‌گرا" رابطه میان پوشش و تماس‌های جمعی را مورد بررسی قرار داده است. او ما را به اواسط قرن ۱۸ در لندن و پاریس می‌برد و چگونگی ادغام خیابان‌ها و صحنه‌های تئاتر آن زمان را نشان می‌دهد: پوشش آن دوران، سنگین، باوقار و رنگین، مانند یونیفرم بدن را می‌پوشاندند. پوشش‌های متنوع با نمودهای گوناگون، افراد را مبدل به مانکنی در صحنه تئاتر می‌کردند که آماده گفت‌وگو و محاوره بودند. جامه‌ها، نماد حرفه و شغل افراد در جامعه و عاملی بود برای آغاز و تداوم گفت‌وگو. بعد از انقلاب فرانسه و سپس انقلاب صنعتی، صحنه خیابان‌ها و اماکن عمومی، دچار تغییر فردگرایی جایگزین روابط اجتماعی شد در همین دوران، نقش رسانه‌ها پررنگ و در نتیجه، جهت تامین منافع خود، اقدام به انتشار مطالب در قالب احساسی نموده، ابعاد هیجانی و انفرادی پیام‌ها را افزایش دادند. از این به بعد بود که با تولید وسایل ارتباط جمعی (صوتی و تصویری) در ابعاد کوچک، منزوی شدن افراد و در نتیجه، ایجاد شهرهای منزوی، شکل گرفتند. سایر تحقیقات نشان می‌دهند که لباس و پوشاک در طول تاریخ توانسته ابعاد ارتباطی، اجتماعی و یا سیاسی پیدا کند. ماسک و رعایت فاصله ایمنی (جهت حفظ سلامت) در مواردی باعث افزایش ارتباطات حضوری می‌شوند.

در ابتدای شیوع کرونا، ترس و وحشت ناشناخته بودن این بیماری، باعث خلوتی کلیه معابر شهری در سراسر جهان شد. اما فرصتی شد برای آشنایی بیشتر با محله و محیط زیستمان. لذت از دیدن درختان و آسمان آبی، تنفس هوای تازه و عاری از آلودگی. معابر و شهرها، هر چند موقت کیفیت و جلوه‌ای تازه پیدا کردند.

طرحی که لویی کان در سال ۱۹۵۲ میلادی برای شهر فیلادلفیا ارائه کرد، جوابگوی بحران‌هایی جهانی، مانند کرونا و شهرهای آینده بود. این طرح به دلیل فرمال بودن و توجه صرف به زیبایی پیکره بناها، غیرعملی و کنار گذاشته شد. مهمترین دلیل، منع ورود خودرو به خیابان‌های داخل شهر و ساخت بناهای کلان در پیرامون شهر برای پارکینگ مطرح شد.

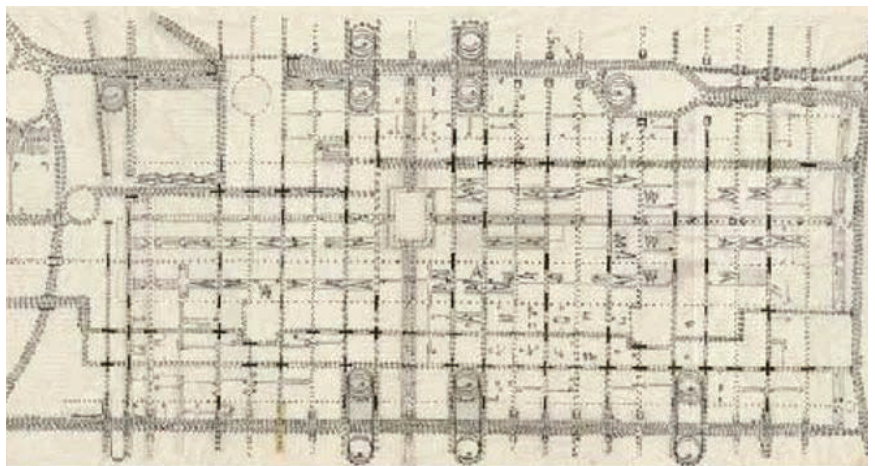
علی‌رغم مقبولیت لویی کان در بین معماران مدرن قرن بیستم، کارهای او شاخه‌های متفاوتی از مدرنیست است. روش معمول پیروی فرم از عملکرد در کارهایش دیده نمی‌شود، او معمولاً به دنبال فرم‌هایی با ارزش‌های جاودانه و مونومنتال است تا مفهوم و عصاره فضای مربوطه، نمایش داده شود. البته که لویی کان، در طرح شهر فیلادلفیا، روش ساخت فرم را کنار و با چشم دانش اجتماعی طراحی کرد. رشته طراحی شهری از همین زمان آغاز و رشد کرد. با اینکه طرح او، خیال‌پردازی و شعارگونه خوانده شد، اما در دوران کرونا مورد توجه بسیاری از معماران کشورهای اروپایی قرار گرفته است. توجه به حضور مردم در میادین و معابر، نوعی احترام و ارزش‌گذاری و اهمیت انسان در شهرها محسوب می‌شود.



شهر فیلادلفیا - لویی کان - ۱۹۵۲

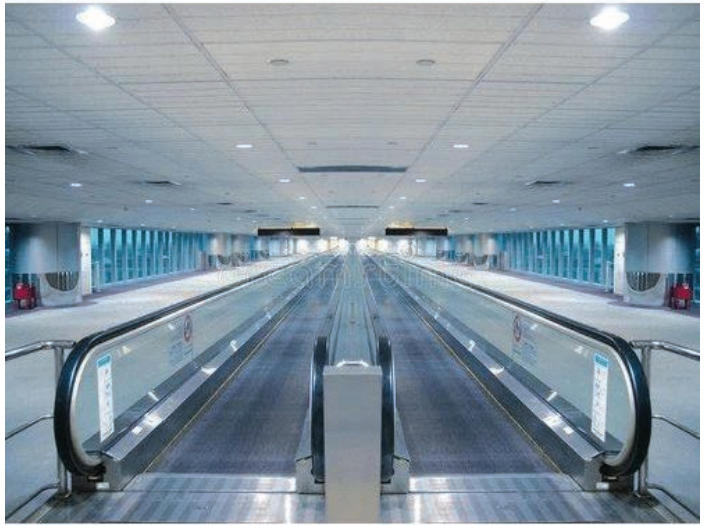
چنین تفکری همزمان با تئوری وبر در "فضاهای شهری و بی‌شهری" ولی با اندکی تفاوت دیده شده، ما را بیشتر به عمق ماهیت شهرنشینی و محیط‌زیست آشنا می‌کند.

لویی کان معتقد است که شهر برای مردمان است و نه خودرو. محل خودرو، خارج از دروازه‌های شهر است. لویی کان با این طرح، به خودروها اعلام جنگ می‌دهد. طرح او با آگاهی از حفظ محیط‌زیست، کاهش آلودگی هوا و آلودگی صوتی، سرزندگی و شادابی را به شهر، اضافه می‌کند. در عین حال طرح او با ایده اولیه مدرنیست‌ها که خیابان‌ها، معابر و فضاهای خالی یا سبز را در زیر ستون‌های برج‌هایشان دیده بودند، متفاوت است. کان توجه خاصی به رنگی بودن معابر، همچنین ایجاد اماکن کوچک تجاری برای رفع مایحتاج اهالی دارد.



در نقشه او تردد ساکنین و مردم در مرکز شهر و توسط دوچرخه، نقلیه عمومی و پیاده صورت می‌گیرد. ساکنین حومه شهر از خودروهای شخصی استفاده می‌کنند و برای ورود به شهر، وسیله نقلیه را در مراکز پارکینگ، پارک و مانند ساکنین داخل شهر، تردد می‌کنند. مراکز پارکینگ در دوازده برج دایره‌ای شکل، بعنوان دروازه شهر، پیرامون شهر طراحی شده‌اند.

کان، اساس سازمان یک شهر را با شفافیت حفظ می‌کند: برج‌های پارکینگ که دیوارهای اطراف شهر را مشخص و ورودی‌های شهر را تعریف می‌کنند، در خیابان‌های داخل شهر، انواع مختلف تردد پیش‌بینی و تفکیک شده است. او تنوع حرکتی را به رودخانه تعبیر می‌کند. در طرح لویی کان، سلسله مراتب فضایی، رعایت شده است. از منزل شخصی (خانه) شروع و به تدریج به فضاهای عمومی (معابر) و سپس خدمات شهری و عمومی ختم می‌شود.



وجه اشتراک طرح لویی کان و دوران کرونا، مجزا بودن مردم شهر از خودروها است. او معتقد بود شهرها برای مردم هستند و مجزا از خودرو. چنین تجربه‌ای در ابتدای کرونا، کاملاً احساس شد. ولی مشکل خودروهای عمومی در طرح وی، باعث ایجاد محدودیت است. گرچه این محدودیت، با نوآوری و پیشرفت صنعت، روز به روز کمتر می‌شود. اختراع باتری‌های پر قدرت، تولید خودروهای انفرادی و وسایل نقلیه عمومی با قابلیت تغییر در تعداد صندلی، قادر است به نیازهای جمعی پاسخ دهد.

پرسش اصلی در این است که شهرهای آینده، چگونه طراحی شوند تا بتوانند بحران‌های جهانی، همچون کرونا را تحمل و پذیرا باشند. آیا ورود خدمات و سرویس‌های خدماتی به داخل معماری خانه‌ها، گزینه مناسبی است؟ اختصاص فضاهای عمومی در طبقاتی از مجتمع‌ها تا چه میزان در حفظ سلامت در روابط جمعی داخل مجتمع‌های مسکونی موفق خواهند بود. آیا انزوای فردی در بحران‌های آینده چگونه خواهد بود؟ آیا تاثیر یک بحران در نوع زندگی جوامع، یکسان و راه‌حلی مشابه دارد؟ یا باید در هر بحرانی، طرحی جدید و اندیشه‌ای دیگر داشت. این پرسش‌ها و بسیاری دیگر، تنها در بحران‌های بعدی، قابل بررسی است و بس... .

منابع:

- سنت، ر. (۱۹۷۷). سقوط انسان عمومی. انتشارات رندوم هاوس.
دکتر مایکل، مهفتی. (۲۰۲۰، می). خبرنگار، IMCL.
سنت، پیشین، ۶۴-۶۵، ۱۶۱.
ویبر، ملوین. م. (۱۹۶۴). مقاله "مکان شهری و قلمرو غیرمکان شهری." در کتاب خود کاوش‌هایی در ساختار شهری. فیلادلفیا: انتشارات دانشگاه پنسیلوانیا.
لوئیس ای. کان. (۱۹۶۴). پروژه مطالعه ترافیک، از مجموعه‌های موزه هنرهای مدرن (MoMA)، ۳۸۹، ۱۹۶۴.
آکارا پراسرکول، نون. (۲۰۰۸). مجله طراحی شهری.
زوک، فو. (۲۰۱۹). مجله طراحی شهری.
ویبر، پیشین.
لوئیس ای. کان. (۶ فوریه، ۲۰۰۹). ساخت یک اتاق. نمایشگاه گالری آرتور راس، دانشگاه پنسیلوانیا.

احیا و بازآفرینی بندر تاریخی کنگ

شیوا آراسته

پروژه شرکت داده شده در جایزه معماری آقاخان-۲۰۲۲

مقدمه

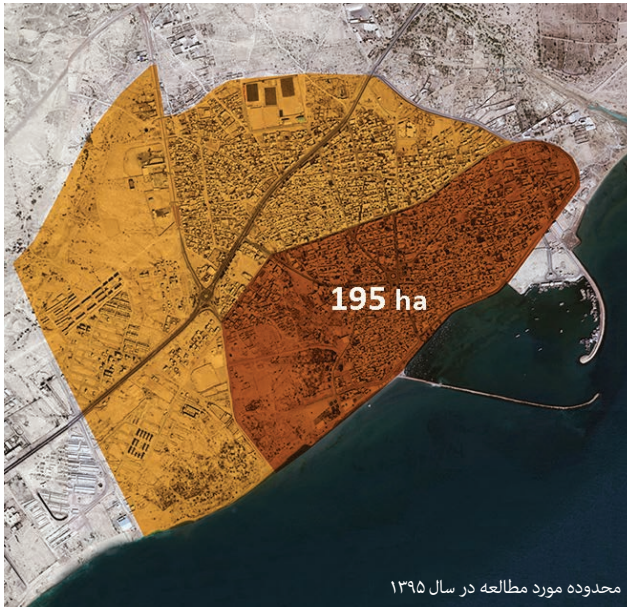
مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر بنا، یا طبیعت بکر است. این کیفیت عینی و دقیقی است، اما نمی‌توان نام خاصی بر آن گذاشت. دستیابی به کیفیت مطلوب در زندگی، موضوع اصلی گروه طراح و همان طلب اوقات و حالاتی است که در آن، زنده‌تریم. از طرفی هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوهای خاصی از رویدادها در آن مکان حاصل می‌شود. الگوی رویدادها همواره با الگوهای صوری خاصی در فضا پیوند دارد و در واقع هر بنا یا شهر متشکل از این الگوها است.

هر چه الگوهای زنده در بنا یا شهر بیشتر شوند، آن بنا یا شهر در قالب کلی، منسجم، زنده و شاداب‌تر می‌شود و شورخودبانی و صیانت نفس را که همان "کیفیت بی نام" است بیشتر در خود دارد.

بپذیریم، مهمترین نکته در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی، درک پیام بستر آن است. اولین قدم در مواجهه با یک زمینه، اعم از تاریخی یا جدید، شناخت و تحلیل همه جانبه زمینه و کشف نیروهای بالقوه و بالفعل است. از سوی دیگر، بافت شهر، مکانی است برای احراز هویت فردی و اجتماعی هویت، حدی است که فرد می‌تواند آن مکان را متمایز و بازشناسی کند. هویت مکانی و هویت شخصی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارد. اینکه "من اینجا هستم" حکایت از "من هستم" می‌کند. بافت شهری، به ویژه در محدوده‌های تاریخی، مانند یک "مکان" می‌تواند خاطرات، تجربیات، علائق، اسطوره‌ها و احساسات مشترک انسانها را زنده و یادآوری کند.

بر همین اساس، ورود به زمینه تاریخی می‌باید با احتیاط تمام انجام گردد. هرگونه تغییر، اصلاح احیا با شناخت کامل از تمامی عوامل جنبی و تاثیرگذار صورت گیرد.

تولد پروژه در پاییز سال ۷۵، طی سفر آموزشی و بازدید از این "بهشت گمشده" آغاز شد. ویژگی‌های فضایی منحصر به فرد بافت شهری و معماری دست نخورده، گروه را بر آن داشت با تعریف پروژه دانشجویی، خانه‌های تاریخی کنگ مورد تحلیل قرار گیرد. بعد از بیست سال، در سال ۹۵ طی مذاکراتی، مقرر شد مطالعات جامعی در خصوص بافت تاریخی کنگ انجام گردد.



نتایج تحقیقات انجام شده در مراحل صفحه بعد در پروژه احیای کنگ مورد استفاده قرار گرفت:

گام اول

مطالعات بافت و معماری تاریخی بندر کنگ

پروژه مطالعات و تحلیل بافت و معماری ارزشمند و تاریخی این بندر در سال ۹۵ و بر پایه تاریخ بیست ساله و با رویکرد زمینه گرایانه و چند وجهی در حوزه های زیر، در محدوده ۱۹۵ هکتاری انجام شد:

مطالعات محیطی: شناخت اقلیم و شناخت کالبد طبیعی

مطالعات اجتماعی و فرهنگی: مردم شناسی، جامعه شناسی، جمعیت شناسی، مناسبات اجتماعی، فرهنگ شناسی، سنت سکونت، معیشت، اقتصاد و ... مطالعات کالبدی: شناخت کیفیت فضای کالبد موجود (شهر و بناهای ارزشمند) شناخت و تحلیل اجزای سازنده توده و فضای بافت- شبکه معابر- ظرفیت های اجتماعی، فرهنگی و...، شناخت نیازها و کمبودهای موجود، نقاط مورد نیاز برای احیا و باززنده سازی را مشخص نمود. در بخش تحلیل معماری تاریخی، بیش از هفتاد خانه ارزشمند بازدید و در نهایت بیست و پنج خانه انتخاب و اطلاعات لازم (نقشه برداری، تقسیم بندی ها و اجزای داخلی هر کدام) تهیه و ثبت گردید. سپس برای خانه معاصر در محدوده بافت تاریخی، ضوابط طراحی، تدوین و ملاک عمل قرار گرفت. یکی از مهم ترین دستاوردهای این پروژه، ملغی شدن طرح تفصیلی قبلی و ارائه طرح جدید با رویکرد حفظ خانه های ارزشمند و احیای بافت تاریخی بود. در ادامه فعالیت، آشنایی جامعه حرفه ای و دانشجویان معماری با این بندر تاریخی زیبا، همچنین، انتخاب بندر کنگ به عنوان موضوع پایان نامه های دانشجویان معماری در ایران و چند کشور اروپایی و از همه مهم تر، آشنایی مردم کنگ با میراثی که صاحب آن هستند، از دیگر امتیازات حاصل شده از پروژه به حساب می آید.



گام دوم

احیای دانه‌ها، تعریف کاربری‌های محرک بافت و بهسازی
جداره‌ها و سنگفرش بافت تاریخی

گام دوم پروژه، شامل دو مرحله بود:

مرحله اول:

پس از شناسایی کامل بافت و تعیین نیازها و کمبودهای موجود، مکان و دانه‌های مشخصی برای مرمت و احیای بافت، تعریف شدند. بسیاری، اجرا و تعدادی نیز در حال اجرا است.

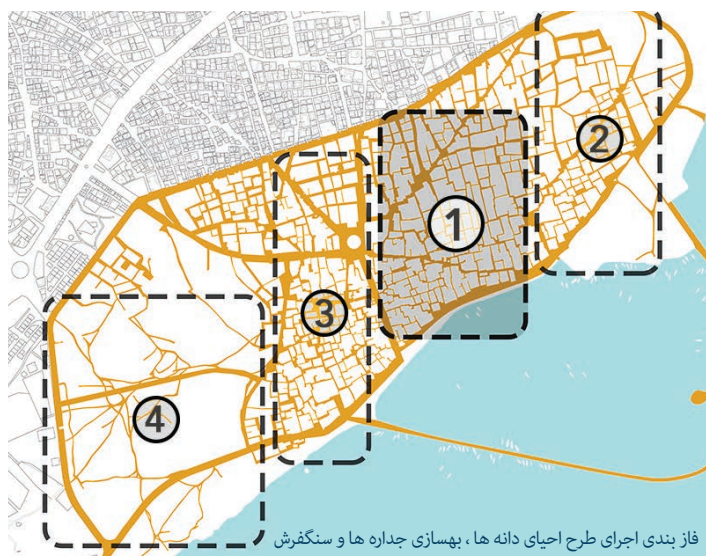
هدف‌گذاری‌ها جهت عملیات اجرایی شامل:

- احیای بنای تجاری قدیمی با کاربری دفتر بافت.
- احیای بقالی قدیمی با کاربری کافه در قلب بافت، مجاور گذر زیرمهره.
- احیای مجموعه سلطان‌العلماء در غرب بافت تاریخی با کاربری فرهنگی.
- مرمت و احیای خانه تاریخی رشید با کاربری اندیشه‌گاه مطالعاتی بندر تاریخی کنگ.
- احیا و مرمت و بهسازی مسجد نابینا و محوطه پیرامونی.
- طرح مدرسه نه کلاسه محله کوش.

مرحله دوم:

همزمان با شروع اجرای طرح احیا و باز زنده‌سازی دانه‌ها و فضاهای شهری میان بافتی در بخش مرکزی بافت تاریخی، با هدف تغییر چهره بافت و اتصال این نقاط و دانه‌های ارزشمند موجود به یکدیگر، مسیرهای گردشگری در اوایل سال ۹۶ تعریف و با کفسازی با مصالح محلی - نورپردازی - مرمت و رنگ‌آمیزی جداره‌ها، ایجاد فضاهای سبز در گره‌ها و جداره‌ها، مسیری جذاب برای رهگذران محلی و بازدیدکنندگان داخلی و خارجی، ایجاد گردید.

در مرحله اجرا، محدوده مرکزی بافت، محله مسجد نو، به دلیل تراکم دانه‌های تاریخی ارزشمند، بعنوان اولویت احیا، انتخاب شد. بخش اعظم محله مرکزی، احیا و مورد بهره‌برداری ساکنین و گردشگران قرار گرفته است.



فاز بندی اجرای طرح احیای دانه‌ها، بهسازی جداره‌ها و سنگفرش



Before



After



Before (1996)



After



پروژه‌های آینده:

طرح‌ها و پروژه‌هایی که بر اساس نیازهای بافت تاریخی، جاهایی و تعریف شده‌اند، بر اساس زمان‌بندی و بودجه مورد نیاز کارفرما و مشارکت کنندگان، به تدریج وارد مرحله اجرا می‌شوند.

این پروژه‌ها عبارتند از:

- طرح احیای آب انبارها در قالب پارک موزه آب خاورمیانه.
- مرمت و احیای بازار قدیمی بابو.
- ساماندهی محور شهید بهشتی و خیابان بحرپیما.
- اسکله تفریحی و گسترش فضای جمعی بوم مسی.
- احیای خانه خیراندیش با کاربری تجاری و فرهنگی.
- طرح خانه و تجارتخانه یوسفی.
- بازارچه ملوانی.

بندر تاریخی کنگ از زمان شروع مطالعات و طرح احیا در سال ۹۵ تا زمان حاضر، تغییرات بسیاری به خود دیده است. شهرداری بندر کنگ در جایگاه کارفرمای اصلی و مجری، طی ۵ سال (از زمان آغاز پروژه) اقدامات موثر و مفیدی را در زمینه احیا و معرفی این بندر تاریخی انجام داد. مهمترین تاثیر پروژه بر روند زندگی مردمان منطقه، افزایش لذت و احساس زندگی در بافت تاریخی - برپایی گردهمایی‌های شبانه، مراسم‌های آیینی و موسیقی سنتی، افزایش بازدیدکنندگان و میهمانان داخلی و خارجی. این شهر هم اکنون به عنوان یکی از مهمترین مقاصد گردشگری استان هرمزگان شناخته می‌شود و این تغییرات سبب شده برخی از مردم ساکن در بافت تاریخی تمایل به بازسازی خانه‌های قدیمی خود داشته باشند و به این ترتیب جریان احیای بافت در مسیر درستی قرار گرفته است.



پی‌نوشت:

عکس‌ها: حمزه محمد حسینی، شیوا آراسته، امیرعلیزاده، شهاب تولیت کاشانی
منبع نقشه‌ها: پروژه مطالعات بافت و معماری تاریخی بندر کنگ، شیوا آراسته
(دفتر معماری پلسار پارت)





شیوا آراسته

شیوا آراسته در فروردین ماه سال ۱۳۵۶ در ساری متولد شد. او دانش‌آموخته دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی است. وی در سال ۱۳۸۲ کارشناسی ارشد پیوسته خود را از این دانشگاه و در سال ۱۳۹۳ دکتری خود را از دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات دریافت نمود. او فعالیت حرفه‌ای خود را از اواسط دهه ۷۰ آغاز کرد و فروردین ماه ۱۳۸۵ دفتر معماری شخصی خود با نام "پلسارپارت" را تاسیس نمود و در همان سال‌های اول تاسیس دفتر برنده جوایز متعدد مسابقات طراحی معماری در سطح ملی و بین‌المللی شد.

گرایش تخصصی او در پژوهش و طراحی "زمینه‌گرایی در معماری و شهرسازی" است، بیش از پنجاه و پنج پروژه پژوهشی و طراحی معماری در بافت‌های تاریخی با رویکرد زمینه‌گرایی را در سابقه خود دارد، که از مهم‌ترین آنها می‌توان به پژوهش بر روی بافت تاریخی تهران، زاهدان، چابهار، بندر تاریخی کنگ، ناهوک، حمزه آباد زابل و نهبندان و ارائه طرح احیا و اصول و ضوابط طراحی معاصر در این بافت‌ها اشاره نمود. او و تیم همراهش به مدت ۶ سال با حضور در بندر کنگ و انجام یک کار همه‌جانبه‌ی اجتماعی و شهرسازی، بافت تاریخی این بندر را احیا کردند، این پروژه در دوره پانزدهم جایزه معماری آقاخان شرکت کرده بود.

همچنین او از اوایل دهه هشتاد تا کنون، تدریس در دانشگاه‌های مختلف تهران، تبریز، شیراز، شوشتر و بابل را برعهده داشته است. از اواسط دهه ۹۰ در کنار کار حرفه‌ای، داوری مسابقات معماری در سطح کشور را نیز در سابقه‌اش به همراه دارد. تدوین کتاب "ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی" و تألیف کتاب "خانه‌های بندر کنگ" و "آوای بادگیرهای جنوب" و چندین مقاله با موضوع الگوی خانه ایرانی در کارنامه‌ی وی دیده می‌شود.

او همچنین موسس کمپین "بازگرداندن زندگی به شهر" است که در حوزه‌ی دیده‌بانی بافت و بناهای تاریخی و جلوگیری از تخریب آنها فعالیت می‌کند. وی هم‌اکنون بعنوان مدیرعامل و طراح در دفتر خود، مشغول به فعالیت است.



فضاهایی برای ارتباطات انسانی

زندگی درونی دو میدان در شهر فیلادلفیا میدان واشنگتن

عبدالحسین توکلیان

و میدان ریتن هاوس

چکیده

تمرکز اصلی این کتاب بر ارتباطات انسانی در فضاهای شهری و ارتباط آن با فرم و معماری آن است. این کتاب ضمن بررسی ارزش‌های فضاهای عمومی، چگونگی ارتقای تعاملات انسانی، این فضاها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. جذابیت‌های موجود در فضای اجتماعی و عمومی دو میدان "ریتن هاوس" و "واشنگتن" در فیلادلفیا، عبارتند از: جنبه اجتماعی-اقتصاد مکانی، ساختمان‌های پیرامونی و طرح باغ منظر. برای تعیین میزان تأثیر متقابل فرم، کالبد فیزیکی و بافت اجتماعی، میزان جذابیت فضایی، ارزیابی شد. نتیجه بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها، نشان می‌دهد که در میدان ریتن هاوس، تنوع و تعدد محوطه‌سازی با مشخصه‌های خاص خود، باعث ایجاد گره‌های متفاوتی شده که توسط مسیرهای حرکتی به یکدیگر مرتبط می‌شوند. تنوع در پیکره‌بندی و گره‌های ایجاد شده، باعث ارتقای سطح تعاملات اجتماعی میان مردم می‌گردد. کتاب حاضر سیستم و نظام برنامه‌ریزی یکپارچه برای طراحی فضاهای باز شهری را معرفی و بیان می‌کند.

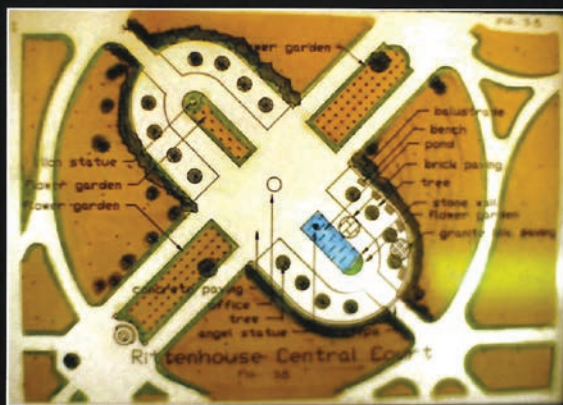
مقدمه

آیا طراحی فضا و برنامه‌ریزی شهری باعث افزایش و ارتقای دموکراسی می‌شود؟

امکان مشارکت در جوامع و آزادی عمل در زندگی اجتماعی، یکی از ارکان اصلی دموکراسی است. اما نحوه و چگونگی مشارکت در عرصه زندگی اجتماعی به این سوال متکی است، آیا مشارکت بدون تعامل و تبادل نظر ممکن است؟ نتایج پژوهش‌های انجام شده در این کتاب، ضمن طرح سؤالات گوناگون، رابطه‌ی بین طراحی فضاها، تعاملات انسانی و مشارکت را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ پرسش‌هایی چون: تأثیر نوع تعامل (مستقیم، مجازی، عمومی، خصوصی و ...) و وسعت منطقه بر میزان مشارکت. آیا تعامل مجازی با موارد ناشناخته، مشارکت مؤثر محسوب می‌شود؟ میزان اثربخشی تعاملات حضوری در مقایسه با تعاملات مجازی چقدر است؟ آیا تعاملات منفعلانه در فضای رسانه‌ای، مانند تایید یا عدم تایید به یک موضوع یا "تاثیرگذاران مجازی" (افراد با نفوذ بالا در شبکه‌های مجازی)، بعنوان فعالیت مشارکتی، مطرح است؟ آیا هرگونه ارتباط یک طرفه، قادر است دموکراسی را تقویت کند؟ آیا طراحی فضاهای شهری می‌تواند باعث ایجاد تعامل شود؟ چه ویژگی‌های معمارانه‌ای باعث جذابیت و اجتماعی شدن یک مکان می‌شود؟ و بسیاری پرسش‌های دیگر...

میادین شهری و فضاهای باز مفرح همواره در خلق شهریت انسانگرا و مشارکت در زندگی مدنی مؤثر هستند. اندیشمندان دوران باستان، متروپلیس را نمونه‌ای از تلاش برای امکان مشارکت سیاسی می‌دانستند. پریکلس، سیاستمدار و ژنرال یونانی در دوران طلایی آن (۴۹۵ - ۴۲۹ پیش از میلاد) در خطابه‌ی خاکسپاری (سخنرانی رسمی در مراسم تشییع و خاکسپاری یونان) برداشت خود از شهر را چنین بیان می‌کند: «ما می‌گوییم کسی که به سیاست علاقه ندارد سرش به کار خودش است، بلکه می‌گوییم چنین شخصی شایسته زندگی شهری نیست.» از نظر وی، ارزش شهروندی و ارزش‌های مشارکتهای اجتماعی در ارتباط با یکدیگر هستند.

Spaces for Human Communication



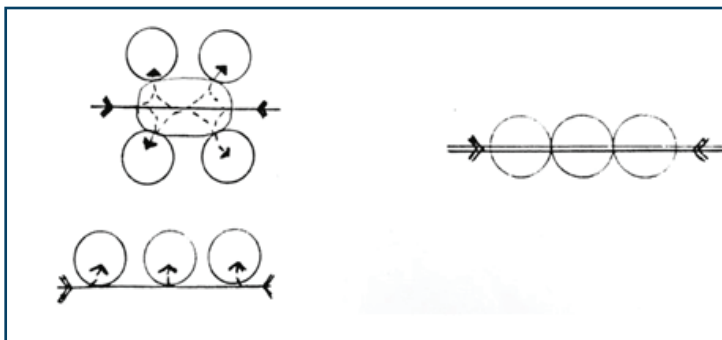
The Inner Life of Two Urban Plazas in Philadelphia: Rittenhouse and Washington Squares

Dr. Abdo Tavakolian

نهاد خانواده و ساختار قبیله‌ای و اجتماعی، به واسطه جریان انقلاب صنعتی در اواسط قرن هجدهم، به تدریج، جای خود را به زندگی فردی داد و به تدریج ابزار نوین رسانه‌ای به زندگانی فردگرا حیاتی تازه داد. کتاب "سقوط انسان اجتماعی" اثر ریچارد سنیت (استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه‌های لندن و نیویورک) تصویری جامعی از این پدیده را نشان داده است. او به روند تغییرات و تحولات در نوع لباس و رفتار مردم از اوایل قرن هجدهم تا اواخر قرن بیستم فرانسه می‌پردازد و در آن سلطه‌ی نزدیک‌گرایی روابط و تمایل به رفاقت‌های احساسی را نمایان می‌بیند. او نظاره‌گر کاهش تدریجی عرصه‌های همگانی در فرهنگ غرب است. بعدها که ارتباطات یک طرفه، مانند: رادیو، تلویزیون و گفتگوی رادیویی جای خود را به شبکه‌های اجتماعی داد، نه تنها شیوه مشارکت‌های اجتماعی بهبود نیافت، بلکه نیروی فردگرایی غالب و امور جمعی به شدت رو به زوال نهاد.

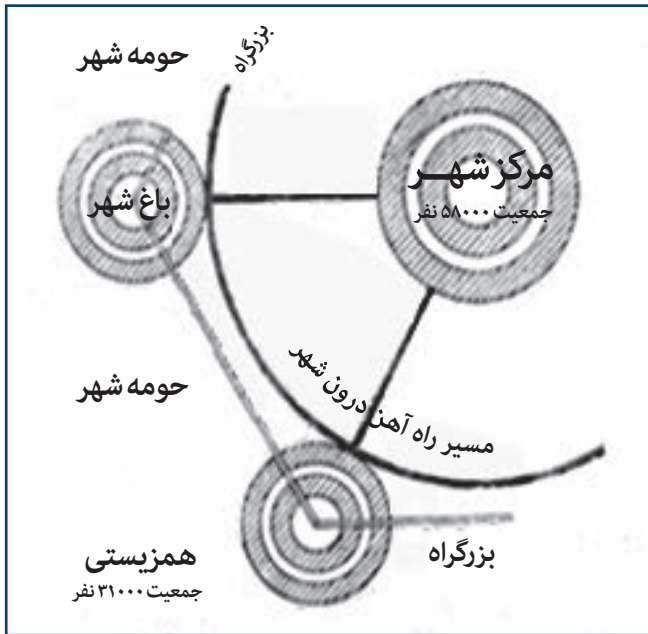
شکی نیست، ظهور و گسترش اینترنت، درها را به روی بسیاری از امکانات باز کرد. در ابتدا تصور بر این بود که پیشرفت رسانه‌های اجتماعی و مزیت جهانگیرانه آن بر افزایش ارتباطات به ارتقای دموکراسی می‌انجامد و امید و توانایی به جوامع محروم و ناتوان می‌بخشد. اما در ازای این امکانات و به علت وجود نیروهای پراکنده و سوچو در رسانه‌ها، جوامع به سوی چند قطبی شدن سوق پیدا کردند. طولی نکشید که از سویی، شبکه‌های اجتماعی آغشته به شبکه‌های سرگرم‌کننده شده و از سویی دیگر این رسانه‌ها بستری قدرتمند جهت ترویج اطلاعات کاذب شدند. یقیناً پیش از به وجود آمدن شبکه‌های اجتماعی، اختلاف نظر و تنوع و تقابل دیدگاه‌های مختلف وجود داشتند ولی به علت تبادل نظر حضوری در عرصه‌ی سنتی فضاهای جمعی، این اختلافات تعدیل می‌شدند، فضاهای عمومی و میادین، رسانه‌هایی برای انسان‌سازی و اعتدال در روابط انسانی بودند.

رسانه‌های اجتماعی و فناوری ارتباطات تا جایی که قادرند به نفع انسان عمل کنند، مفید و حیاتی هستند. در عین حال باید در نظر داشت که این فناوری می‌تواند مخرب جوامع و موجب تشدید انزوا و گوشه‌گیری فرد در دنیایی مجازی و دور از واقعیت شوند. علاوه بر این، به دلیل دسترسی آسان و سرعت انتقال بالای اطلاعات (و دنباله‌روی و تکرار) این رسانه‌ها قادرند، در مدتی کوتاه، یک موضوع معمولی را به بحرانی کاذب گسترش داده و خشم (یا مسرت) گروه گیرنده را برانگیزند. این در حالیست که اطلاعات، لزوماً در فرصتی مناسب توسط منابع معتبر بررسی نگردیده و در نتیجه خشم و ستیز گروه‌های متضاد، به التهاب جوامع می‌انجامد.



نوع چیدمان صندلی‌ها و نوع چرخش آنها می‌تواند بر تعامل اثر بگذارد.
بالا، سمت چپ: خصوصی، کمترین تعامل
پایین، سمت چپ: نسبتاً خصوصی
سمت راست: عمومی، بیشترین احتمال برقراری تعامل

اگرچه پیشرفت در ارتباطات دیجیتال و تنوع رسانه‌ها که از طریق فناوری هوشمند قادر به تامین رفاه و سودبخشی جوامع شهری است، اما، این فناوری همچنین می‌تواند توسط طرح شهری پراکنده، به آسانی سبب انزوا و از هم گسیختگی آن گردد. چنین پراکندگی زیستی پیشنهادی بود که توسط «ملوین وبر» محقق و شهرساز آمریکایی، در مقاله او "مکان و بی‌مکانی در عرصه شهر" در اواسط دهه‌ی هفتاد جرقه‌ای در جوامع روشنفکران ایجاد کرد. او مقیاس فرهنگ و تمدن یک جامعه را با انباشتگی ارتباطات مجازی و انتشارات محک می‌زد و معتقد بود که توسعه ارتباطات مجازی می‌تواند پراکندگی مطلوب ایجاد کند و از تمرکزهای مکانی شهرها جلوگیری کند. در چنین سلطه‌ی زیستی، خدمات و سرویس‌های شهری در گوشه‌های بی‌ارتباط پراکنده‌اند و مساکن و هسته‌های دیگر زیستی در گوشه‌ای دیگر. لازم به تذکر است که این تئوری در زمانی ارائه می‌شد که کامپیوترهای شخصی، دستی، یا اینترنت به صورت فعلی وجود نداشت. استدلال تئوری "وبر" یا "بی‌شهری" بر این پایه بود که در صورت امکان انجام امور کاری از راه دور و کاربرد ارتباط مجازی، نیازی به مجاورت فیزیکی نیست و نزدیکی و هم‌نشینی فیزیکی مفهوم خودش را از دست می‌دهد. پیش‌بینی "وبر" پنجاه سال بعد در دوران کرونا به آزمایش گذارده شد، و تجربه گسستگی انسانیت را در اوج خود به نمایش درآورد. از جمله شواهد کمبود این تئوری میتوان فقدان کیفیت آموزشی در کلاس‌های درس مجازی و همچنین فقدان خلاقیت در محیط‌های مجازی کاری را نام برد. تئوری بی‌شهری نه تنها قدرت خلاقیت تعامل حضوری را نادیده می‌گیرد، بلکه خطرات محیط‌زیستی اماکن پراکنده و استفاده مکرر از وسایل نقلیه شخصی را به شمار نمی‌گیرد.



نکته جالب و متناقض اینکه، علی‌رغم استقبال برخی برنامه‌ریزان از تبادل اطلاعات از راه دور، شرکت‌های سازنده‌ی این رسانه‌ها در محیط کاری خود از دورکاری، پرهیز کرده و از همکاری و تعامل حضوری در دفاتر مرکزی خود حمایت می‌کردند. نگاه اجمالی به دفاتر مرکزی فیس‌بوک و اپل، حاکی از طراحی فضاهای داخلی ساختمان برای برخوردهای حضوری، ورزش‌های گروهی و معاشرت کارمندان است. برای مثال، ساختمان مدور اپل، شامل هشت بخش یکسان است که هر یک شامل یک گره مشترک جهت برخورد، تشویق تعامل و همکاری کارمندان است.

اگر تعامل و مشارکت در عرصه‌ی عمومی را کلید فرهنگ خلاق و مباحث دموکراتیک بدانیم، در این صورت، تلاش برخی از رسانه‌های اجتماعی-تجاری در تاکید بر حریم خصوصی و احساسات فردی، می‌تواند قلمروی عرصه‌ی عمومی را تضعیف و در نتیجه ارکان دموکراسی را در هم بشکند. مزایای فضای عمومی، از طرفی ایجاد تعامل با طیف مختلفی از افرادی با رده سنی-موقعیت اجتماعی-دیدگاه مذهبی و پیشینه‌ی سیاسی، فرهنگی است، و از سوی دیگر باعث پرورش فرهنگ خلاق است. در حالی که چنین تعاملاتی، باعث افزایش خرد جمعی شده و مدنیت افراد را ارتقاء می‌بخشد، پرورش و توسعه سلاح تنهایی و انزوا طلبی، که توسط برخی از رسانه‌های جمعی ترویج می‌شوند، گلوله‌های آتشینی علیه دموکراسی هستند. چنین فرهنگ فردگرایانه‌ای که ثمره‌ی ارتباط عاطفی رسانه‌های اجتماعی دوران جدید است، فرد را از مشارکت در زندگی عمومی باز می‌دارد، آزاداندیشی و اختیار تصمیم‌گیری او را محدود می‌کند.

در حالیکه رشد و گسترش زندگی یک فرد از هسته‌ی خصوصی خانواده شروع و به سایر عرصه‌های مختلف عمومی گسترش می‌یابد، فضای عمومی و خصوصی قابل تمییز و تشخیص از یکدیگر هستند. با این حال، در برخی از کانال‌های رسانه‌ای، این تفکیک را نادیده گرفته و غالباً فضاهای عمومی و خصوصی را در هم می‌آمیزند. بنابراین، جهت رسیدن به یک جامعه دموکراتیک، تمایز بین فضای عمومی و خصوصی ضروری است. در حالیکه فضاهای خصوصی غالباً کوچک و با صراحت رنگ و بویی احساسی و خودمانی دارند و با مرزهای مشخص از ورود غریبه ممانعت می‌کنند، فضاهای همگانی غریبه را از طیف‌های مختلف با خوشرویی دعوت کرده و ساکنین را به صحنه نمایش زندگانی عام، فرا می‌خوانند.

در زندگی معمول اجتماعی، افراد با طیف گسترده‌ای مخاطب و در تماس است که در برگیرنده‌ی تخصص، اندیشه، سبک زندگی و خلق و خوی متفاوتی است. به همین دلیل، تعاملات عمومی در مقایسه با تعاملات خصوصی بیشتر بوده و نمی‌توان فضاهای عمومی و خصوصی را یکسان تصور و طراحی کرد. لذا نه تنها ویژگی‌های این دو نوع فضا متفاوتند، بلکه وجود فضاهای فرعی و انتقالی بین آنها ضروری خواهد بود.

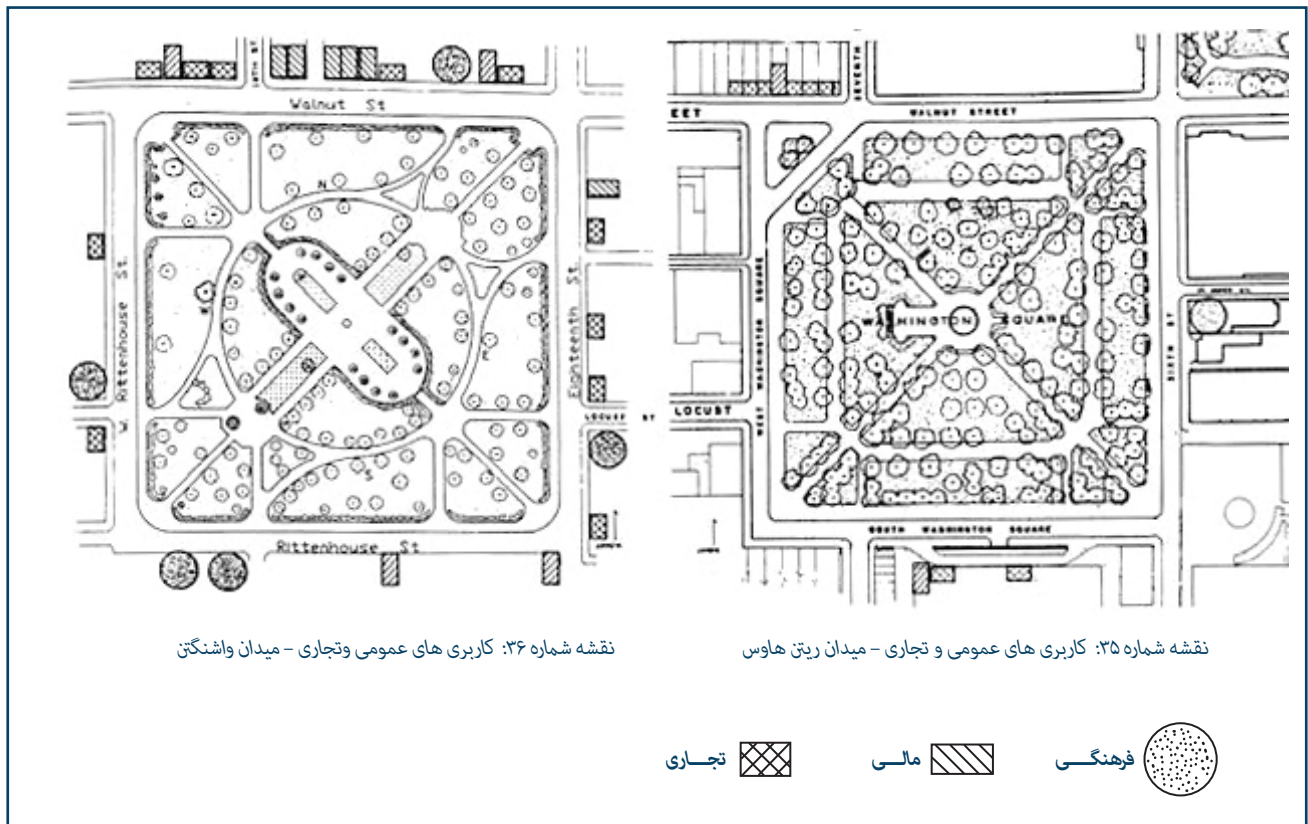
معماران، طراحان فضای شهری و منظر، با روش‌های مختلفی فضاهایی خصوصی و همگانی را مشخص و از هم تمییز می‌دهند.

پایه‌های کتاب موجود براساس تحقیقاتی است که در جستجوی اثرات معمایی میادین عمومی و ویژگی‌های آنها به زندگی اجتماعی روزمره و ساکنین شهر دارد. در این میان تمرکز اصلی ویژگی‌های معمارانه‌ایست که باعث جذابیت و افزایش روابط اجتماعی این مکان‌ها می‌گردند.

موضوع معاشرت یا جامعه‌پذیری به پیچیدگی زندگی اجتماعی در شهر و اثرات متقابل آن با مصنوعات فیزیکی مرتبط است. کاوش این مفاهیم معماری، مستلزم تجزیه و تحلیل این فرضیه است که فرم و مکان شهری می‌تواند کانال‌های انطباق‌پذیری برای ارتباط و تعامل مستقیم فراهم کند. از همان ابتدا، سوال مربوط به جذابیت، بارها خود را در متن نشان داده است: آیا یک میدان جامعه‌پذیر (پرجمعیت)، همیشه یک مکان جذاب است؟ آیا تعامل اجتماعی در یک فضا بیشتر به جهت شکل‌گیری آن به طریق محیطی خصوصیست و یا زمانبست که فضا بر مشخصه عمومی تاکید می‌کند.

چگونه فضایی قادر به تشویق و ترغیب برای ارتباط و تبادل نظر است؟ جنبش "زیبا شهری" که در قرن نوزدهم، بر اساس ارتقای شرایط زیبایی محیطی، زندگی سالم و بهداشت عمومی پایه‌ریزی شده، با ایجاد میدان‌های عمومی و جذاب درون شهری، متفاوت است. به عنوان مثال، "هاید پارک" و "ریجنتز پارک" لندن و "فرمانت پارک" فیلادلفیا در عین دارا بودن محیط‌های شهری سالم و دلپذیر، با فضاهای عمومی و تعاملی یک میدان شهری، متفاوت هستند. امروزه عملکرد چنین فضاهایی، تنها جهت برگزاری گردهمایی، مذاکره یا مباحثه عمومی نیست. بلکه عملکرد اصلی میادین جذاب صرف غذا، گفتگوهای دوستانه، بازی، خرید، تماشای مطالعه، استراحت و... است. نقش چنین میدان‌هایی می‌تواند به گسترش فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی، نمایش‌های هنری و سخنرانی‌های سیاسی، کمک کند.

جهت تشریح این ایده، دو میدان سرزنده در فیلادلفیا را که دارای موقعیت شهری و مساحت مشابه‌اند در نظر می‌گیریم. فضاهای جذاب و معاشرتی در دو میدان عمومی "ریتن‌هاوس" و "واشنگتن" مورد بررسی قرار می‌گیرند. توجه اصلی تعامل مستقیم افراد در فضاهای شهری و رابطه آن با فرم ساخته شده است. تحقیقات و بررسی‌های کتاب نشان می‌دهد که مکان‌ها و فرم‌های شهری قادر به ارتقای تعاملات انسانی است. ایجاد سرزندگی در اینگونه فضاها و تاثیر "حیاتک‌های شهری" بر افزایش دموکراسی و رفاه عمومی پرسش‌هایی است که در این مطالعه به آن پاسخ داده می‌شود.



عوامل و محرک‌های تاثیرگذارنده بر افزایش کارایی این فضاهای باز شهری، عبارتند از: جنبه اقتصاد مکانی، ساختمان‌های پیرامونی و طرح باغ منظر. عامل عمده در جذابیت فضایی این دو میدان، حاصل تعامل مثبت بین فرم فیزیکی و بافت اجتماعی است. اگرچه ارزشهای غنی اقتصاد/ اجتماعی محله باعث جذب جمعیتی می‌شود، لیکن، فرم فیزیکی و معماری، نقش تعیین کننده‌ای در افزایش جذب و پذیرش جمعیتی دارد. نتیجه یافته‌های معماری این دو میدان بیشتر به اهمیت فاکتورهایی چون "محوطه‌سازی محدود"، "طراحی باغ و ارتفاعات"، "ویژگی‌های مکانی" متکی است. در نهایت موضوع قابل اهمیت، ایده محفظه‌سازی و رابطه آن با حصار حدودی مورد توجه قرار می‌گیرد. این مطالب در بخش شفاف‌سازی فضایی و حصارهای حدودی مورد بحث قرار می‌گیرد.

در میدان ریتن هاوس، تنوع در محوطه‌سازی با ویژگی‌های گوناگون دیده می‌شوند که از طریق مسیرهای گردشی به یکدیگر، پیوند می‌خورند. تعاملات اجتماعی - اقتصادی و سرزندگی در آن به خوبی مشهود است. البته داشتن یک برنامه‌ریزی یکپارچه و دقیق در تحقق این امر، ضروری خواهد بود. علیرغم گذشت حدود ۴۵ سال از تحقیقات انجام شده در این کتاب و همچنین، تغییرات گسترده شکل گرفته در شهر سرزنده‌ای مانند فیلادلفیا، دو میدان مورد مطالعه، نه تنها ویژگی‌های قوی خود را حفظ کرده‌اند، بلکه همانطور که در ادامه نشان داده شده است، در راستای ترویج گرایش جدید به برنامه‌ریزی جامع محله‌سازی، نیز تکامل یافته‌اند.

اگرچه، در طراحی هاوارد، ایده‌ی فضاهای باز عمومی و باغ‌سازی به چمنزار تبدیل شد، ولی، ایده "شهرسازی معاصر" با پیروی از اصول او، امتیازات فضاهای باز عمومی را نیز در نظر می‌گیرد. به عنوان مثال، "لئون کریر" (معمار و طراح شهری اهل لوگزامبورک) بازسازی شهرهای اروپایی را در خودکفایی محله‌ها می‌داند. ایده و تفکر وی از فرم شهری، مبتنی بر مدل‌های سکونتگاهی چند مرکزی یا فرم اقماری است. مدل پیشنهادی او که توسط مقیاس‌های انسانی افقی و عمودی شکل می‌گیرد، از محله‌های خودکفا با کاربردهای مختلط تشکیل شده. این نوع محله‌سازی از ۳۳ هکتار بیشتر نبوده و در طول ۱۰ دقیقه پیاده‌روی، میتوان به نقاط مختلف آن دسترسی داشت. جهت امکان تردد مناسب ساکنین، حداکثر ارتفاع ساختمان‌ها ۵ طبقه است. در طرح او شهرها با تکثیر محله‌های مستقل شهری (نه با گسترش افقی یا عمودی) رشد کرده و توسط عناصر ارتباطی مانند: مسیرهای پیاده و باغ راه و همچنین مسیرهای سواره، مرتبط می‌گردند.

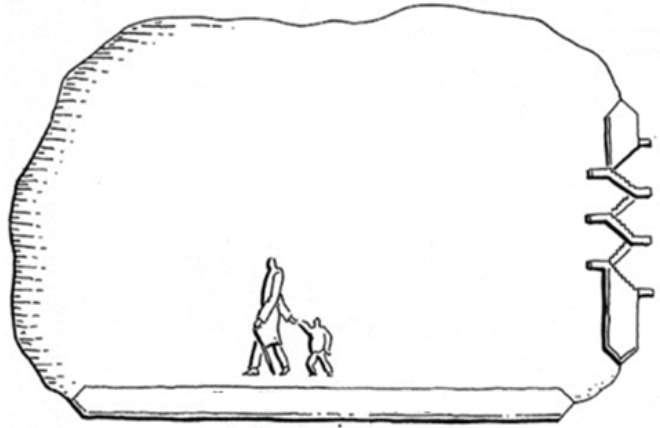


شکی نیست که ایده‌ی دوستی و مراقبت از یکدیگر در همسایگی دارای فواید حیاتی است، اما مفهوم برنامه‌ریزی محله‌های خودکفا با ایده تحرک و تمامیت یک شهر به عنوان مکانی برای ارائه خدمات گسترده و فرصت‌ها برای شهروندان خود مغایرت دارد. اگر در چنین محله‌ای قصد تغییر دکترا، یا مدرسه فرزندان به مکانی غیر از آنچه در محله‌ی است باشد، چه باید کرد؟ شهرهای مدرن گزینه‌های متعددی برای رفع اینگونه امکانات دارند که یک محله‌ی محدود فاقد آن است. محله‌ی خودکفا رقابت اجتماعی-اقتصادی یک شهر را محدود کرده و باعث فروپاشی اقتصادی کل شهر خواهد شد. موضوع دیگر قیمت در ازای هر مترمربع زمین یا ساختمان است که معمولاً در محلات مختلف شهر متفاوت بوده، باعث جذب جمعیتی با درآمد مشابه می‌گردد. چنین تقسیم‌بندی اجتماعی باعث نقص کارایی یک شهر می‌شود.

به دلایل بالا، به جای استفاده از ایده محله به عنوان "واحدهای همسایگی" از اصطلاح "منطقه‌ی کوچک" یا "ریز محله" برای نشان دادن ارتباط آن با شهر (به عنوان یک ارگان غیرقابل تفکیک) نام برده شده. در حالی که اهمیت تعاملات عمومی و خصوصی یا همسایگی در یک بلوک شهری ارزشمند است، ولی "ریز محله" را نمیتوان همچون جزیره‌ای مجزا از شهر دانست و از محله‌هایی با زندگی قبیله‌ای حمایت کرد. بر این مبنا، یک خیابان یا بلوکی در یک خیابان کوچک را می‌توان یک منطقه‌ی کوچک در نظر گرفت. در کنار هم بودن در مجتمع‌های مسکونی که در درون خود، فضای سبز مشترک، تفرجگاه‌های مشترک و دیگر فضاهای مشترک دارند، درحقیقت باعث گسترش قلمروهای خصوصی می‌گردد که ارتباط مستقیمی با ایجاد یک قلمرو عمومی با ارزش‌های مدنی در شهر ندارد.

درحالی‌که محله‌ای مبتنی بر دوستی یا مبتنی بر خدمات درمانی می‌تواند به عنوان یک کارکرد تخصصی در یک شهر وجود داشته باشد، ایده این نوع محله‌ها با ایده اصلی شهری که جامعه‌ای با ارزش‌های عمومی را ترویج می‌دهد متفاوت است. زندگی در شهرهای بزرگ، ارتباطات عمومی فرد در مقایسه با تعاملات خصوصی را افزایش می‌دهد. به طور قطع، داشتن تعاملات جدید و غیرمنتظره در یک فضای عمومی، دایره ارتباطات و جهان بینی ما را گسترش دهد. در حین مشارکت در یک رویداد عمومی، با افراد متفاوت نسبت به خودمان آشنا و خود را به سمت جامعه‌ای فراتر از جامعه خصوصی سوق می‌دهیم.

جهت شکل‌گیری شهری تعاملی، برنامه‌ریزان، طراحان شهری و سیاست‌گذاران میتوانند در زیرساخت‌های اجتماعی مثل فضاهای عمومی، پارک‌ها، میادین و کتابخانه‌ها، سرمایه‌گذاری کنند. مفهوم بازگشت به سبک زندگی محلی به معنای فضای عمومی با طراحی مناسب، حیاط‌های مرکزی شهری، خیابان‌های مناسب برای عابرین پیاده، حمل و نقل عمومی و توسعه‌ی چند منظوره می‌باشد.



شهر عابرین پیاده
چه به صورت افقی + چه به صورت عمودی
۱۰ دقیقه / حداکثر ۱۰۰ قدم و حداکثر ۳-۵ طبقه
مقیاس‌های استاندارد پیاده روی

در اینکه، ایده و طرح لئون کریر، مناسب برخی شهرهای مرفه اروپایی است، شکی وجود ندارد. اما سرمایه‌گذاری برای اجرایی کردن طرحی با چنین محدودیت تراکم در بسیاری از شهرهای کشورها، میسر نیست. اما اگر با دید پیشرو تر، فناوری‌های نوین و طرح‌های خلاقانه‌تر به محله‌های ۱۰ دقیقه‌ای بنگریم، می‌توان کلیه امکانات و ملزومات زندگی اجتماعی، مانند تامین امکانات رفاهی-تفریحی-اقتصادی- فضای سبز- تردد آسان و دسترسی‌های مناسب را در ترکیب ساختمان‌های مرتفع طراحی و در عین حال، مقیاس انسانی، استقلال و خودکفایی را نیز رعایت کرد. ارزش اینگونه تراکم مختلط و بالا به دلیل مشترک بودن بسیاری از خدمات، قادر است آلودگی‌های محیط‌زیستی ترافیک و بسیاری از عوارض حاصله از تقاطع شهرک‌های اقماری را کاهش دهد.

امتیاز طرح شهر ۱۰ دقیقه‌ای "لئون کریر" مشوقی بود برای سایر برنامه‌ریزانی چون، "کارلوس مورینو" یا "سارا هولدر" جهت ارائه طرح "شهر ۱۵ دقیقه‌ای" خودکفا. اصلی که در تمامی طرح‌های ارائه شده استوار است، بر اساس طراحی محله ایست که تامین نیازهای اساسی ساکنان در محدوده‌ای کوچک بتواند با استفاده از تردد پیاده-دوچرخه و حمل‌ونقل عمومی برطرف شده و امکان ارائه کلیه خدمات شامل: کسب و کار، آموزش، خدمات شهری، درمانی، رفاهی در فاصله کوتاهی ممکن باشد. برنامه‌ریزی محله خودکفا یک شهر ۱۰ یا ۱۵ دقیقه‌ای شامل مناطق سبز، فضاهای باز عمومی، حیاط‌ها و سهولت دسترسی است. از دیگر مزایای محله خودکفا، صرف زمان بیشتر در فضاهای عمومی و تعاملات اجتماعی است. از آنجایی که تنهایی یکی از امراض اصلی قرن حاضر رقم زده شده روابط دوستی و همسایگی می‌تواند به سلامت روان و جسم بیافزاید. شانه‌ای برای گریستن، لبخندی برای شادی، دلگرم‌کننده‌تر از ایموجی‌ها و نمادهای فضاهای مجازی است.

منابع:

ریچارد سینت، سقوط مرد عمومی. Random House، ۱۹۷۷.

امیلوین ویر، "مکان شهری و قلمروی شهری غیرممکنی"، تحقیق بر روی ساختار شهری، فیلادلفیا، انتشارات دانشگاه پنسیلوانیا، ۱۹۷۱، صفحات ۸۴ تا ۱۳۳.

لئون کریز، "مولفه های شهری"، طراحی معماری، چاپ ۵۴، شماره ۷/۸، ۱۹۸۴، صفحه ۴۳.

سارا هولدر، "چه اتفاقی می افتاد اگر ما یک شهر ۱۵ دقیقه ای صمیمی داشتیم"، اخبار شبکه بلومبرگ، ۱۵ جولای سال ۲۰۲۳، تحقیقی بر روی برنامه ریزی شهر ۱۵ دقیقه ای کارلوس مورینو.

استاد دانشگاه

مجدالدین حاجی زاده بیوگرافی و آثار

۱۳۹۱-۱۳۰۴



بین سال‌های ۱۳۵۷ الی ۱۳۶۵ در حضور اساتیدی چون "علی اصغر پتگر" (۱۳۷۱-۱۲۹۲) از نقاشان واقع‌گرای معاصر و "غلامحسین نامی" (از پیشگامان جنبش هنر مدرن در نقاشی معاصر ایران)، دانش خود را در هنر نقاشی ارتقا بخشید. وی توانست، دوره‌های نقاشی آکادمی هنرهای تجسمی سالسبورگ در اتریش را زیر نظر اساتید صاحب نامی چون: "امیلیو ودووا" از ایتالیا، "اسوالد اوبرهوبر" و "هرمان نیچ" از اتریش، بگذراند.
در سال ۱۳۴۷ گالری "پرلا" در تهران را افتتاح کرد و با گسترش تولیدات مبلمان و دکوراسیون داخلی، فعالیت هنری خود را در صنعت مبلمان تداوم بخشید.

مجدالدین حاجی‌زاده در خرداد ماه سال ۱۳۰۴ در شهر استانبول ترکیه، متولد شد. دوران کودکی و نوجوانی خود را در شهر کرج گذراند و پس از اخذ دیپلم هنرستان ایران و آلمان در سال ۱۳۲۱، جهت ادامه تحصیل به ترکیه رفت و شش سال بعد، مدرک معماری و شهرسازی خود را از دانشگاه فنی استانبول دریافت نمود.

در سال ۱۹۴۸ میلادی، دفتر شخصی خود را در شهر استانبول تاسیس نمود و هشت سال مشغول به فعالیت بود. سپس، بطور همزمان در شرکت مهندسی مشاور بین‌المللی "اونیماک" در اتریش فعالیت نمود و آموزش در دانشگاه فنی وین را ادامه داد. در سال ۱۳۳۵ با بانویی اتریشی، ازدواج و پس از اخذ درجه دکتری معماری در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشت. با تاسیس دانشگاه ملی ایران، در سال ۱۳۳۹ بعنوان یکی از اساتید دانشکده، مشغول و تا سال ۱۳۵۷ به آموزش ادامه داد. همزمان با تدریس، دفتر شخصی خود را در تهران تاسیس نمود و پروژه‌های متعددی را طراحی و اجرا کرد.

علاقه به هنر نقاشی او به سال ۱۳۴۶ برمی‌گردد. در آن سال با همکاری تعدادی از اساتید وقت، همچون نازاریان، تحقیقات خود در سبک‌های مختلف نقاشی، مانند: کوبیسم- فیگوراتیو و آبستره را تداوم بخشید.



فرزند ایشان (اسکندر حاجی‌زاده) طی گفت‌وگوی انجام شده با گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی در بهمن ماه سال ۱۳۹۸، پدرش را اینگونه توصیف می‌کند:

... او کارش و دانشجویهایش را دوست داشت. پشتکار عجیبی داشت و بسیار سخت‌گیر بود. همان انتظاراتی که از دانشجویانش داشت، عیناً از ما و در منزل طلب می‌کرد. طوری برنامه‌ریزی می‌کرد که کارها به بهترین نحو، انجام شود. شب‌ها تا دیر وقت مشغول تهیه جزوات امتحانی و ترسیم جزئیات برای ارائه به دانشجویانش بود.

... پدر من رانندگی بلد نبود، به همین دلیل راننده‌ای در اختیار داشت که او و خانواده را جابجا کند. در ایام مدرسه، ابتدا پدرم را به دانشکده و سپس من را به مدرسه می‌رساند. همواره، با ظاهری آراسته و کراوات‌زده و سر وقت کلاس را برگزار می‌کرد. به هیچ عنوان غیبت کسی را نمی‌پذیرفت.

... بیاد دارم، اوایل انقلاب و در دوران شلوغی‌های دانشگاه‌های تهران، دانشجویان را نصیحت، آنان را از عواقب اعتراضات، برحذر می‌کرد. پدرم در دوران اعتصاب‌های دانشجویی، مسئول دانشگاه شبانه‌روزی بود. در همان دوران، جلوی ورودی دانشگاه می‌ایستاد و مانع ورود نیروهای گارد و پلیس می‌شد. بیاد دارم التهاب و اضطراب پدرم در دانشگاه، فضای خانه را هم، تحت تاثیر قرار داده بود.

... در دوران پس از انقلاب، ایشان به دلایلی آزاده‌خاطر شدند و دانشکده را ترک کردند. چند سال بعد با راه‌اندازی گالری تولیدات مبلمان، کارهای خودش را به نمایش گذاشت. خاطرم است که بسیاری از دانشجویانش به گالری می‌آمدند تا او را ببینند. در زمان دیدارش با دانشجویان، لحظات احساسی بسیاری را شاهد بودم.



از آثار وی طی ۲۱ سال فعالیتش در زمینه نقاشی، می‌توان به نمایشگاه‌های هنری زیر اشاره کرد:

نمایشگاه انفرادی:

۱۳۶۷ - مجموعه فرهنگی آزادی

۱۳۶۸ - گالری آذین

۱۳۶۹ - گالری گلستان

۱۳۷۳ - گالری بامداد

۱۳۷۴ و ۱۳۷۶ - گالری برگ

۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ - گالری شیرین

نمایشگاه گروهی:

۱۳۷۴ الی ۱۳۸۱ - موزه هنرهای معاصر - تهران

۱۳۶۷ الی ۱۳۷۹ آکادمی هنرهای تجسمی - شهر سالسبورگ اتریش

مجدالدین حاجی‌زاده، بعنوان یکی از نقاشان نوگرای معاصر ایران، فارغ از هیاهو و جریانات هنری، تا آخرین سال‌های عمر هنری خود فعال بود. وی در هجدهم تیرماه سال ۱۳۹۱ در سن ۸۷ سالگی، دارفانی را وداع گفت.
روحش شاد

منابع و مآخذ:

- آرشیو شخصی

- آرشیو گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی

یک معمار

ابراهیم سینا بیوگرافی و آثار

ابراهیم سینا در سال ۱۳۲۳ در تهران متولد شد. در سال ۱۳۴۳ وارد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی شد و در سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته معماری گردید. پس از طی تحصیلات تکمیلی در رشته شهرسازی در دانشگاه کاتولیک آمریکا دفتر معماری خود را بنام "سینا و همکاران" تاسیس و مشغول به فعالیت شد. وی طی بیش از نیم قرن فعالیت حرفه‌ای، علاوه بر ایران، پروژه‌های مختلفی را در کشورهای چین، آمریکا و آلمان اجرا نموده است.

ابراهیم سینا پس از طراحی واحدهای مسکونی مدولار در شهر "نیو هون" فعالیت حرفه‌ای خود را در سال ۱۳۵۲ الی ۱۳۵۹، بعنوان مسئول طراحی و نظارت ۱۸۰۰ واحد مسکونی مدولار در ایالت‌های مریلند، پنسیلوانیا و ویرجینیا ادامه داد.

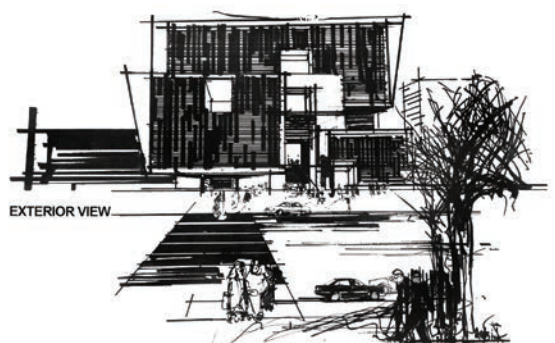
یکسال پس از بازگشت به ایران، در سال ۱۳۶۱ طی همکاری با مهندسین مشاور پل میر، در اولین مسابقه معماری پس از انقلاب "طرح سیصد واحد مسکونی همدان" شرکت و رتبه نخست را کسب نمود. در مدت حضورش در ایران، می‌توان به پروژه‌هایی همچون: مجتمع تجاری چهارباغ، ایستگاه مترو شهدا در اصفهان و طراحی چند واحد مسکونی، اشاره نمود. در سال ۱۳۶۶ به آلمان بازگشت و به مدت شش سال به عنوان همکار و مسئول طراحی شهری و شهرسازی در مهندسین مشاور "اینزوما" در شهر نورنبرگ، فعالیت خود را ادامه داد. طرح بیمارستان هرمی شهر نورنبرگ در سال ۱۳۶۹، یکی از پروژه‌های او در این شرکت است. از سال ۱۳۷۱ در شرکت "وی کنسولت" مشغول به کار شد و در سال ۱۳۷۴ جایزه نخست طرح "سالن کنسرت مدرسه منوهین" شهر لندن را کسب نمود.

همزمان با فعالیت‌های معماری در آلمان، جریانات معماری در ایران را دنبال می‌کرد. در سال ۱۳۹۷ و مقارن با ارائه طرح جامع توسعه دانشگاه تهران (مهندسین مشاور صفامنش و همکاران) در مسابقه طرح معماری "مجموعه ساختمان علوم و فناوری" دانشگاه تهران شرکت و از بین سایر شرکت‌کنندگان مسابقه که از دانشکده هنرهای زیبا بودند، موفق به کسب رتبه اول شد. از دغدغه‌های این روزهای ابراهیم سینا، مشکلات فارغ‌التحصیلان دانشکده در دفاتر حرفه‌ای است. در بخشی از مصاحبه گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی، اینطور می‌گوید:

.... فارغ‌التحصیلان جوان، پیش از ورود به دفاتر مهندسین مشاور، لازم است مهارت‌های اولیه را داشته باشند. نقشه‌کشی و تجربه کارگاه مهم‌ترین مهارت‌ها هستند. اگر دانشجو بتواند در سال‌های اولیه دانشکده، تجربه و مهارت‌های خودش را در یکی از دفاتر معماری، افزایش دهد، پس از اتمام دانشکده، مشکلی برای ورود به فعالیت حرفه‌ای نخواهد داشت. بحث درآمد در ابتدای آموزش و یادگیری در درجه دوم اهمیت است. وقتی دانشجو سال دوم یا سوم دانشکده، بعنوان کارآموز، جذب دفاتر می‌شود، ممکن است نقش اوپراتور را پیدا کند. اما نباید هراس داشته باشد. اگر از ذهن باز و خلاق برخوردار باشد، حین ترسیم نقشه، می‌تواند اظهارنظر معمارانه خود را بیان کند. این موضوع در آینده، باعث می‌شود، مجموعه موقعیت بهتری برای او فراهم و اختیارات بیشتری به او محول و چه بسا به استخدام درآورد.

دیدن مراحل اجرایی پروژه نیز، کمک بسیاری به افزایش سطح دانش فنی و درک از نقشه و جزئیات اجرایی می‌کند. در نتیجه ترکیب فعالیت اپراتوری و مشاهده پروژه در مراحل مختلف اجرا، کمک می‌کند تا فارغ‌التحصیلان این رشته، صرفاً بعنوان یک نقشه‌کش صرف، نباشند...

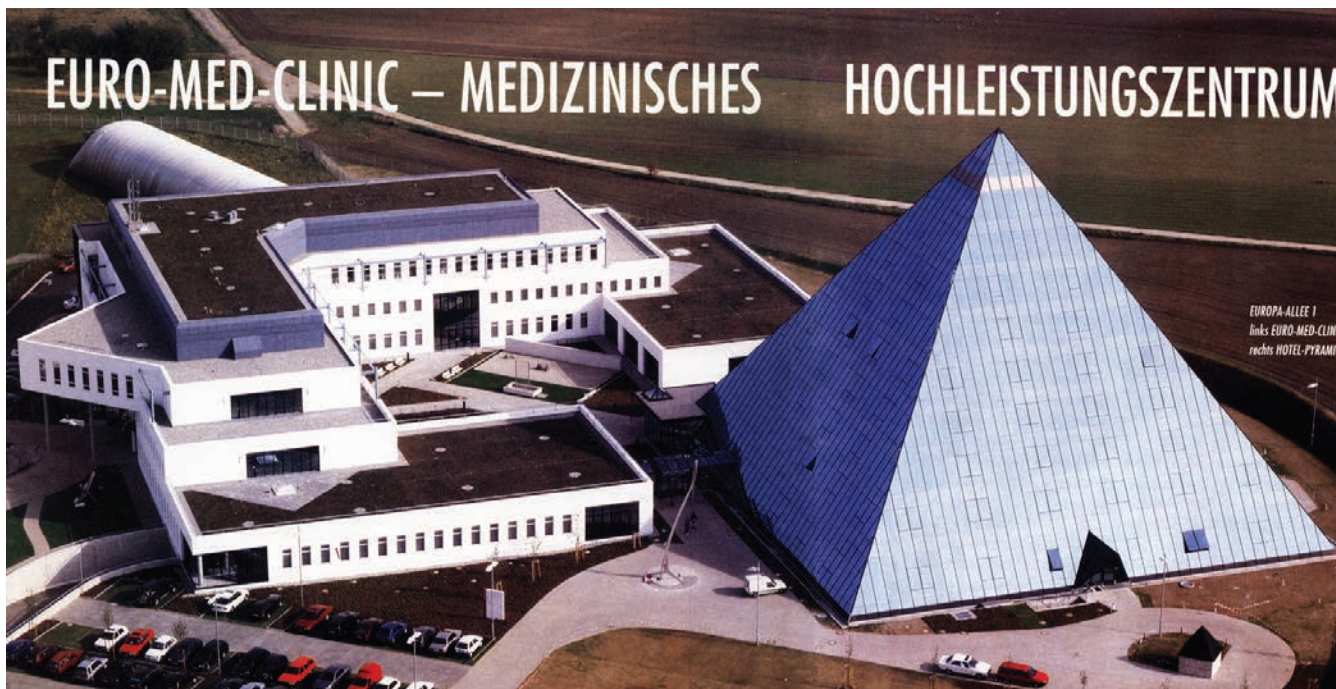
... موضوع مهم بعدی که خیلی‌ها از آن غافل هستند، عشق به کار است. اگر به کاری که می‌کنید عشق بورزید، فعالیت، مهارت و هنر خلاقیت‌تان به بهترین نحوی نشان داده می‌شود. در این مرحله، خودتان می‌توانید در آینده کارهایی را خلق کنید که دیگران را به تحسین وا دارد.



مسابقه معماری ساختمان علوم و فناوری دانشگاه تهران



اسکیس‌های دستی ابراهیم سینا



تعدادی از پروژه‌های انجام شده:

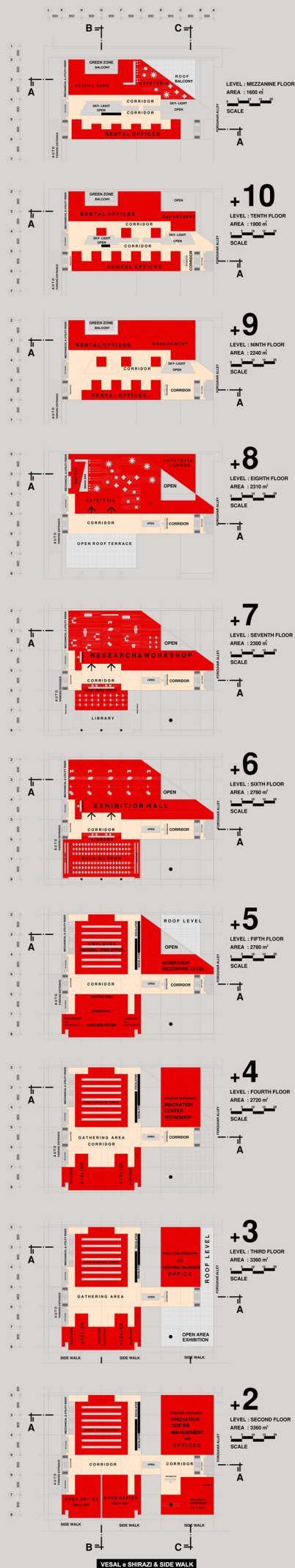
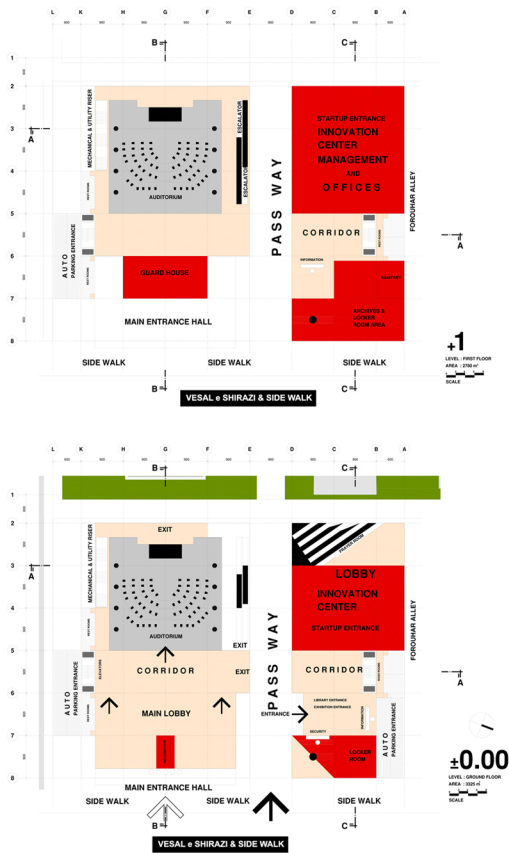
- داروسازی هگزال - آلمان ۱۹۹۲
- پیرامید نورنبرگ - آلمان ۱۹۹۲
- لابراتوار هوخست - فرانکفورت - آلمان ۱۹۹۶
- مجموعه اداری فلباخ - آلمان ۱۹۹۸
- طرح جامع ایده شهری - چین ۲۰۰۰
- هتل کنگره - چین ۲۰۰۰
- برج الکترون دبی - امارات ۲۰۰۸
- مسابقه کنسرت هال منوهین لندن - انگلستان ۱۹۹۵
- پروژه‌های مسکونی و طراحی شهری بالتیمور - آمریکا ۱۹۷۱ الی ۱۹۸۱

منابع و مآخذ:

- آرشیو شخصی
- آرشیو گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی



TEHRAN UNIVERSITY OF TECHNOLOGY COMPLEX



ماموریت برنامه‌ریزی مسیر سبز در برندسازی شهرها و هویت مکان‌ها

فرشته حبیب

چکیده

هدف: هدف این مقاله تحقیقاتی، ارائه یک گزارش راهنما و چگونگی بسط کارکرد روش‌شناختی مرتبط با زیرساخت سبز جهت ارتقاء هویت مکان در برندسازی شهرها با ارزیابی و بررسی ادبیات موجود و مطالعه موردیست. رودخانه لِفکوشا (Lefkoşa creek) [۱] بدلائل متعددی معرفی شده است؛ این نهر از نظر جغرافیایی، نماینده منطقه و یکی از اصلی‌ترین نشانه‌های طبیعی در شهر لِفکوشا، پایتخت قبرس می‌باشد. طرح / روش‌شناسی / رویکرد: این پژوهش، پژوهشی نظری است؛ از این رو ترکیبی از مطالعات اسنادی و روش ادراکی- استنباطی می‌تواند مناسب باشد. با اتخاذ رویکرد مطالعه موردی، این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه زیرساخت سبز می‌تواند به هویت مکانی در برندسازی شهرها بعنوان یک تصویر قدرتمند از شهرها تبدیل شود.

یافته‌ها: این مقاله نشان می‌دهد که سایت‌های خالی و محوطه‌های بلا استفاده، بخشی از ثروت شهر هستند و اکوسیستم سالمی را به عنوان برند شهر تولید می‌کنند و به همراه هویت مکانی خوب طراحی شده در بازارهای شناخته شده که قابل دسترس هستند، مطرح می‌شوند. یعنی برنامه‌ریزی سبز راه با کاربری‌های موقت و گوناگون به عنوان برند شهر در بازار جهانی مطرح می‌شود. پیامدهای اجتماعی: تقریباً تمام شهرهای بزرگ در امتداد رودخانه‌ها ساخته شده‌اند. رودخانه‌ها به عنوان شبکه‌های طبیعی مهم و همچنین منابع فرهنگی و تفریحی مورد توجه قرار گرفته‌اند. نهر لِفکوشا از شهر تاریخی و قدیمی لِفکوشا و سایت‌های تاریخی دیگر می‌گذرد و از ارزش‌های فرهنگی محافظت می‌کند، پس می‌توان آن را میراث تاریخی در نظر گرفت. این نهر را می‌توان با جذابیت‌های فرهنگی و زیست‌محیطی و بافت تاریخی پیرامونش، به عنوان یک گذرگاه تفریحی، آموزشی در نظر گرفت.

نوآوری و ارزش: این تحقیق به درک تاثیر فرهنگ بر برنامه‌ریزی زیرساخت سبز به عنوان ناقل پایداری در جستجوی هویت مکان در برندسازی شهرها کمک می‌کند.

کلید واژه‌ها: هویت مکان، برندسازی شهرها، فرهنگ و اکوسیستم، زیرساخت سبز، پاسخ‌های زیبایی‌شناختی.

مقدمه

هدف اصلی پژوهش، تعریف سبز راه به عنوان دالان‌های تفریحی مهم زیست محیطی است که ارزش‌های فرهنگی- تاریخی را معرفی و هویت مکان را در برندسازی شهرها ارتقا می‌دهند. بخش اول این تحقیق به مفاهیم و تعاریف پرداخته تا پیوند میان کلید واژه‌ها، جهت درک بهتر تاثیر فرهنگ بر زیرساخت سبز بعنوان ناقل پایداری در اکوسیستم سالم در جستجوی هویت مکان در برندسازی شهرها فراهم شود. بخش دوم، تمام قطعات را در کنار هم قرار می‌دهد تا ما را به یک طراحی سوق دهد، به عنوان نمونه نهر لِفکوشا بدلائل متعددی معرفی شده است، نهر لِفکوشا از یک سو از نظر جغرافیایی نماینده منطقه است، حوزه‌ی آبخیز نهر لِفکوشا با چالش زیست‌محیطی و کیفیت آب مواجه است. این نهر یکی از نشانه‌های طبیعی اصلی در لِفکوشا است؛ از سوی دیگر، این نهر به عنوان یک سایت بایر و بلا استفاده، بخشی از ثروت شهر است، منطقه‌ای آموزشی و تجربی برای آینده شهر. بازتابی فیزیکی از تاریخ شهر است. ترکیب چنین فضاهای بلا استفاده و اتصال آنها به یکدیگر، می‌باید با جدیت پیگیری شود. محدوده حاضر فاقد ارزش اقتصادی است. این مطالعه نشان می‌دهد به عینیت، اکوسیستم سالم و زیبایی‌شناسی شهری پایدار می‌تواند با طراحی مناسبی که در آن هنرها با سایر عوامل ترکیب می‌شود، دست یافت. باغ‌های تفریحی در جوار طبیعت، هنر و موسیقی، علاوه بر سرگرمی و تفریح، مجموعه‌ای که می‌تواند در آن مراسم فرهنگی نیز برگزار کرد. این رویکرد، یک رویکرد نظریست ترکیبی از مطالعات اسنادی و روش ادراکی- استنباطی، در فرآیند نظریه‌پردازی، مطالعه متون شهرسازی مرتبط با موضوع مورد مطالعاتی، نقشی کلیدی دارد.

تفکر سنتی قادر به بیرون آمدن از خود و انتقاد از خود نیست، اما مدرنیته توانایی آن را دارد که بر فراز سطوح ادراکی مختلف به پرواز درآید و بدون وابستگی به فرهنگی خاص از آنها ارزیابی درستی به دست دهد. جهانی شدن حرکتی در عین حال مقاومت‌ناپذیر و برگشت‌ناپذیر است که به یاری بازار آزاد و پیشرفت تکنولوژی حمل و نقل و ارتباطات میسر شد. در این دوران مرزها در هم شکست‌گرددش آزاد اموال و اشخاص تسهیل شد، به سرسپردگی‌های ملی ضربه وارد آمد و هویت‌های فرهنگی مغشوش شد. جهانی شدن در یک دست شدن شیوه‌های رفتار متبلور می‌شود، اما در ضمن تکثر هویت نیز هست که در جلوه‌های گوناگون ظاهر می‌شود. اما بدلیل اینکه تکنیک‌های مدرن ارتباطات گران و پرهزینه است و اکثر برنامه‌های کامپیوتری آن آمریکایی است، دهکده جهانی بر اساس الگوی غربی شکل خواهد گرفت. اکنون تمدن‌های غیر غربی در این صحنه بصورت واکنش‌های هویت طلبانه در برابر موج جهانی شدن جلوه‌گر می‌شوند، موجی که هیچ تمدنی یارای گریز یا مقاومت در برابر آن را ندارد. روند جهانی شدن به معنای پایان فرهنگ‌های اخلاق مدار، منطقه‌ای و ملی نیست. در تقابل با جهانی شدن پدیده‌ها، ملی‌گرایی‌های بسته و تنگ‌اندیش تجدید حیات می‌یابد. نغمه فرهنگی جهان چند صدایی است و ما با ترکیب و آمیزش‌ها روبرویم. ظهور بینش جدید و تکامل بینش قدیمی. اسطوره، دوشادوش عقل گام برمی‌دارد. ابتدایی‌ترین فرهنگ‌ها هم نفس پیچیده‌ترین تکنولوژی‌هاست. همه سطوح آگاهی از نوسنگی تا عصر اطلاعات، طالب حق خویش‌اند. ظهور آنها مشکل دیگری را به وجود می‌آورد و آن، همزیستی آنها است.

انسان جدید، در عمق وجودش می‌ترسد. اگر رییس دولت باشد، تصادفاً با طالع‌بینان و غیب‌گویان مشورت میکند و اگر دانشمند باشد دوست دارد در قرطبه درباره تائوفیزیک به تعمق بپردازد و اجسام لطیف و تناسخ را باور دارد. انسان امروزی به خرد و روشننگری خود اعتماد ندارد. این دیگر معنویت نیست بازگشت خرافات است. با رفتاری اسکیزوفرنیک مواجه‌ایم، به همراه مدرن‌ترین تکنولوژی ژاپنی در پی اثبات نیروی چی در مکتب ذن هستیم. در عین آگاهی نسبت به هویت نخستین خویش فرهنگی جدید بر پایه اجماع ایجاد می‌شود. به جای استفاده از کثرت‌گرایی، بهتر است از وحدت در کثرت استفاده شود. تعلیم و تربیت جدید و بینابینی آنگاه تعریف جدیدی از خود خواهد داشت. هویت به مثابه واحد ثابت قومی رد می‌شود و از این دیدگاه هویت اصلاً متعدد و متغیر است و جایگاه تاریخی مشخصی دارد، یعنی فرآورده تغییرات گوناگون و تمایزات چند شکل و مداوم است. هواداران چندگانگی فرهنگی به ملی‌گرایی هویت‌طلب حمله می‌کنند. غضبناک‌ترین و حادث‌ترین آنها از "فوکو" و "دریدا" الهام می‌گیرند، بی‌مقدمه همه ارزش‌گذاری‌ها را مبتنی بر معیارهایی می‌دانند که در اصل ساختارهای قدرت مستقر آنها را تحمیل کرده است.

با توجه به مطالبی که اشاره شد روشن می‌گردد، مفهوم فرهنگ در جهان امروز مفهومی بغرنج و پیچیده است و نظر به اینکه شکل‌های ساخته دست بشر و محیط مصنوع وی ادامه فرایند اندیش‌سیدن وی و شکل و نظم‌های متفاوت ناشی از چگونگی ترکیب آنها منبعث از فکر است و این تفکر در چهارچوبی فرهنگی با پیچیدگی خاص خود سامان یافته است، لذا چنانچه به نقش شهرساز به عنوان یک عامل فاعلی در ارتقاء کیفیت کالبد شهر معتقد باشیم باید منطق این روابط را شناخته تا بتوانیم با گسترش این منطق و شناختی آگاهانه در جهت خلق محیط والا بهره بگیریم. به طور کلی، هویت مکان، بازتابی از هویت بومی، هویت دینی و هویت جهانی کاربران آن است.

برندسازی شهرها

جوامع در هر سیستمی که اداره می‌شوند، دارای اهداف و آرمان‌های خاصی هستند. وظیفه اصلی فرهنگ، نمایش این آرمان‌های ذهنی با شکل‌های قابل لمس است و در این تحول، برنامه‌ریزی شهری، نقش اصلی را ایفا می‌کند. معماری و برنامه‌ریزی شهری در حقیقت بستر فرهنگ هستند. شهرها، خود محصول فرهنگی هستند. به بیان دیگر، مکان‌ها به عنوان محصولاتی هستند که می‌توان آنها را به برند تبدیل کرد. فرهنگ بر برنامه‌ریزی شهری که نشانه‌ای از نظام ارزشی حاکم است، تاثیر و به آن شکل می‌دهد. مردم با فرهنگشان به محیط زندگی خود هویت می‌بخشند، این فرآیند، مفهومی مستمر و پویا است. جهان امروز، مانند یک بازار است. سرعت بالای جهانی شدن به این معنی است که هر کشور، شهر و منطقه باید برای سهم خود از تجارت مصرف‌کنندگان و بازدیدکنندگان تفریحی، سرمایه‌گذاران، دانشجویان، کارآفرینان، رویدادهای ورزشی، بین‌المللی، تجاری و فرهنگی و برای جلب توجه و احترام به رسانه‌های بین‌المللی، احترام به دیگر دولت‌ها و مردم سایر کشورها، با دیگر شهرها رقابت کنند (آنهاولت ۲۰۰۹).

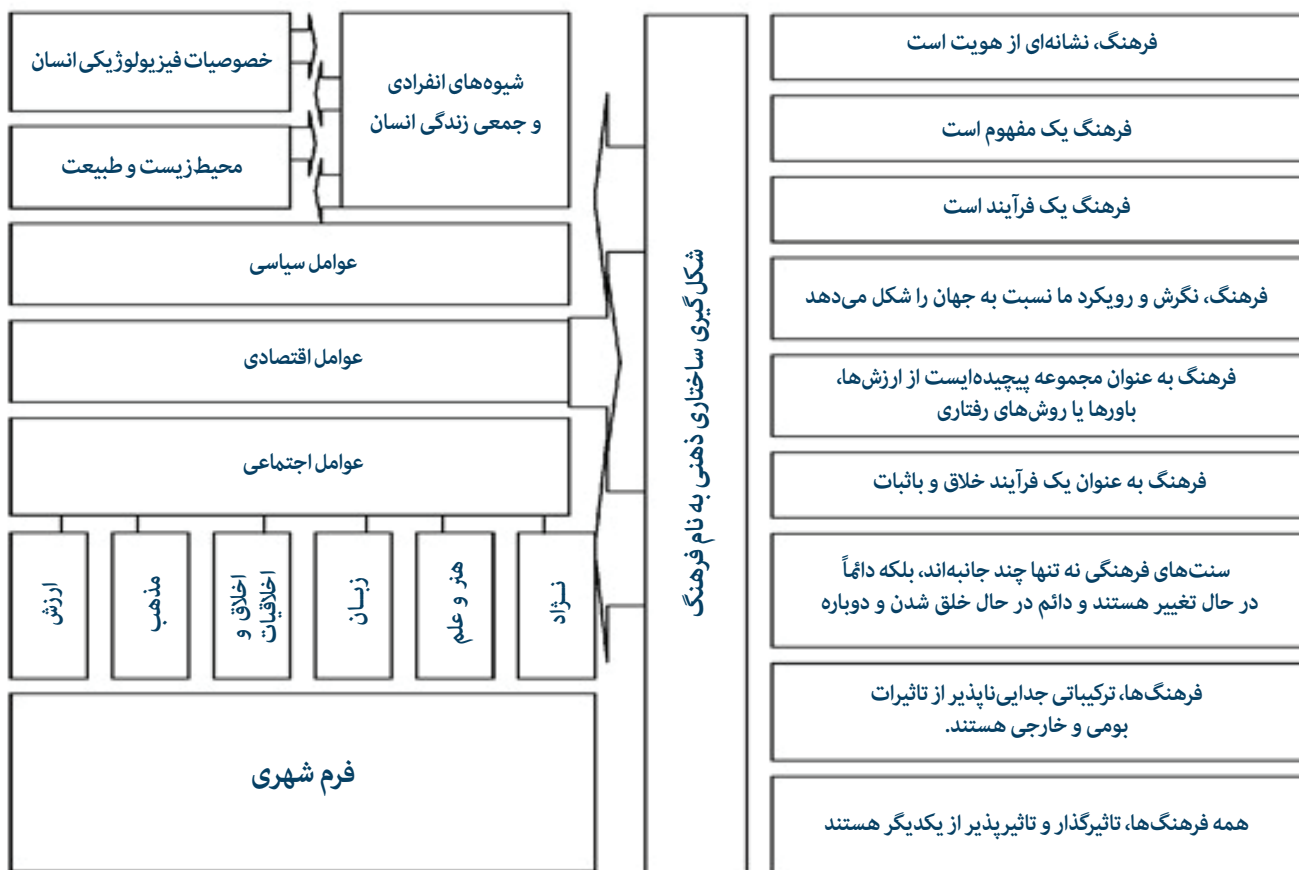
نقد ایدئولوژی مارکس در کتاب سرمایه، تبارشناسی اخلاق نیچه و نظریه توهمات فروید، معضل اساسی آگاهی کاذب را برای انسان مدرن مطرح می‌کند. این سه متفکر نقد هویت را برای ما میسر ساختند. مارکس، آگاهی کاذب را بازتاب مبارزه طبقاتی می‌داندست. نیچه، آن را کینه و بغض ضعیف نسبت به قوی و فروید، غریزه جنسی سرکوفته توسط منع فرهنگی را سازنده این آگاهی می‌پنداشت. انگیزه هر سه شک هرومنوتیکی بود که آنان را واداشت از قواعد فرهنگی مستقر اسطوره زدایی کنند. مارکس معتقد بود که هویت جامعه با سازماندهی عوامل دخیل در تولید ارتباط تنگاتنگی دارد. نیچه، آن را به اراده قدرت نسبت می‌داد و فروید آن را به ناخودآگاه گره زده بود. یا یک دید وسیع‌تر، هویت را می‌توان به عنوان پدیده‌ای که ارتباط نزدیکی با مواردی مثل اقتصاد، سیاست، جامعه و عوامل محیطی دارد مورد مطالعه قرار داد.

یک برند، چیزی فراتر از یک نام شناسایی یا یک شعار منحصر بفرید برای معرفی یک محصول است (آشورث ۱۹۹۴). برند، استعاره بسیار خوبی برای شهرت است. برند، بیانگر مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی، روش‌های رفتاری و نظام‌های نمادین مشترک محصول برندسازی شهرها و تغییر فضای ناشناس به مکانی با هویت، می‌باشد. مکان‌ها به طور ناگهانی هویت جدیدی پیدا نمی‌کنند. هویت مکانی، ترکیبی جدایی‌ناپذیر از اثرگذاری‌های محلی و جهانی است. در مفهوم عامه تر، هویت مکانی را می‌توان نظام ارزشی حاکم بر جامعه که در ساختار جامعه تجلی می‌یابد در نظر گرفت و این اتفاق را می‌توان با برند نمایش و بیان کرد. یک برند مجموعه‌ای کامل از ویژگی‌ها و باورهای فیزیکی و اجتماعی- روانی را در بر می‌گیرد که به محصول ربط دارند (سایمون و دیب ۲۰۰۱). برندسازی شهرها تحت تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیطی قرار می‌گیرد؛ این یک رویه دو طرفه است؛ بنابراین یک برند باید تمامیت این ذهنیت را به شکلی ملموس بیان کند. یک برند موفق، مظهر و نماینده اِلمان‌های مثبت متنوعی است که یک ملت را تشکیل می‌دهند.

فرهنگ و اکوسیستم

فرهنگ را می‌توان به صورت یک فرآیند مفهومی، پویا و خلاقانه‌ای تعریف کرد که با ارزش‌ها و هویت ارتباط مستقیمی دارد. ترکیبی‌ست جدایی‌ناپذیر از تاثیرات بومی و جهانی یا داخلی و خارجی، دیدگاه و نگرش انسان به دنیا، شیوه زندگی فردی و اجتماعی او و مجموعه‌ای پیچیده از باورها و شیوه‌های رفتاری نامیرا، تجلی هنر، موسیقی و ادبیات با تکیه بر الگوها و شرایط و موقعیت‌های بومی، مذهبی و جهانی. فرهنگ زنده طبق تعریف خود، "فرهنگ برقراری ارتباط با دیگران" است. به عبارت دیگر، فرهنگی که ملتها در خلق، اختلاط، اقتباس، ابداع مجدد معانی و مصادیق آن سهیم‌اند و وجه تمایز آنها از یکدیگر است. پدیده‌ایست در ارتباط با عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی (حبیب ۲۰۰۲).

در برخی از فرمول‌بندی‌ها، شامل رویکرد اکوسیستمی به بوم‌شناسی فرهنگی که از دهه ۱۹۶۰ رواج یافت، فرهنگ به عنوان چیزی که دارای ارزش سازگاری در حفاظت از محیط زیست است، در نظر گرفته می‌شود (لیچ ۱۹۹۷). عمل، رفتار و الگوی سیستم‌های فرهنگی اساساً متفاوت می‌باشند، آنها عمیقاً ریشه در زیست‌شناسی و فیزیولوژی دارند، ارتباط بین انسان و بعد فرهنگی پدیده‌ای است که در آن انسان و محیط زیست او در شکل‌گیری و قالب‌بندی یکدیگر سهیم هستند. رابطه بین انسان و جنبه فرهنگی، پدیده‌ای است که در آن انسان و محیط اطرافش در شکل‌گیری و شکل‌دهی به یکدیگر، سهیم هستند (هال ۱۹۹۷). انسان اکنون در وضعیتی می‌باشد که واقعاً کل جهان را که در آن زندگی می‌کند خلق می‌کند؛ رفتارگرایان از این دنیا، بعنوان محیط زندگی یاد می‌کنند (هال ۱۹۹۷). محیط زیست، تنها به طبیعت محدود نبوده، بلکه شامل، فرهنگ و روابط اجتماعی نیز می‌شود. طبیعت، برای بسیاری از مردم، پایه‌های جهان‌بینی آنهاست. برخی هنجارهای فرهنگی در زمینه همکاری، نهادهای مذهبی و غیره در خدمت قانون‌مندی‌سازی و فرضیه‌سازی تاثیر انسان بر محیط خود هستند تا روابط بین مردم و محیط را هماهنگ نگاه دارند. فرهنگ به عنوان چیزی که دارای ارزش سازگاری در حفاظت از محیط زیست است در نظر گرفته می‌شود (لیچ ۱۹۹۸).



جدول ۱ - فرهنگ

توسعه پایدار

توسعه یک فرآیند چند بُعدی است که نه تنها عوامل اقتصادی، بلکه عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و محیطی را نیز در بر می‌گیرد؛ این یک تغییر پیوسته و مثبت ارزیابی شده در مجموع تجربیات انسانی است (هریسون ۱۹۹۸)، مفهوم توسعه پایدار به معنای استفاده کارآمد از منابع، اراضی، فضای ساخته شده و انرژی و گذار از استفاده از منابع تجدیدنپذیر به منابع تجدیدپذیر می‌باشد؛ توسعه یعنی بازیافت مواد و به حداقل رساندن زباله و آلودگی؛ همچنین شامل محدود کردن فرآیندهای مضر برای میراث، طبیعت و سلامت و تامین برابری اجتماعی است. در نهایت، این مفهوم برآیند نیروهای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی است. برخلاف بوم‌شناسی یا اکولوژی شهری، پایداری از نظر تئوری، نقطه شروع مشخصی ندارد. نقطه شروع و مبنای برای کسانی که بر روی مفهوم اکولوژی شهری کار می‌کنند، معمولاً ارزش‌ها و باورهای زیست‌محیطی بوده و عمدتاً از طریق نوآوری‌های محلی، پروژه‌ها و فناوری‌های کوچک، شروع و ارتقا می‌یابند. مفهوم پایداری برای بسیاری، نقطه شروع و مبنای عملگرایانه دارد. نوآوری‌ها و ابتکارات در مقیاس بزرگ، اغلب شامل سطوح بالاتری از فناوری بوده در مسیرهای عقلانی‌تر از بالا به پایین حرکت می‌کنند. ارزش‌های مبنای این دیدگاه تا حد زیادی بر سلامتی و رفاه انسان تاکید می‌کنند. توسعه شهری در اقتصادهای رو به رشد، منجر به آسیب‌های زیست‌محیطی متعددی در قالب آلودگی‌های خطرناک و نابودی محیط می‌شود. از طریق داد و ستدهای سیاسی، فرد به دنبال ایجاد تعادل قابل قبول، میان رشد و حمایت است. برخلاف نظریه مدرنیزاسیون، با اینکه برای توسعه پایدار، رشد اقتصادی، پیش نیاز اساسی است، اما برآورده شدن نیازهای اولیه مانند غذا، سرپناه، مراقبت‌های بهداشتی و آموزش در اولویت قرار دارند. پیش از شکل‌گیری توسعه، بررسی آلودگی و فقر، مقدم است. بنابراین، توسعه پایدار، با در نظر گرفتن چشم‌انداز بلند مدت و جامع، برابری، انتخاب، آزادی سیاسی (از وابستگی)، یکپارچگی فرهنگی و توسعه در چارچوب پارامترهای محیطی را پیشنهاد و حمایت می‌کند (شارپلی ۲۰۰۳).

زیرساخت سبز

زیرساخت سبز یک جامعه، مفهومی است که اهمیت محیط طبیعی در تصمیم‌گیری در مورد برنامه‌ریزی کاربری ارضی برجسته می‌کند. به طور خاص بر عملکردهای "پشتیبانی از حیات" که توسط شبکه‌ای از اکوسیستم‌های طبیعی ارائه می‌شوند، با تاکید بر اتصال متقابل و حفظ پایداری بلند مدت تاکید می‌شود، در حالیکه زیرساخت‌های خاکستری شامل جاده‌ها، پیاده‌روها، ساختمان‌ها و تاسیسات هستند. در حال حاضر، برنامه‌ریزی سبز راه به یک جنبش جهانی تبدیل شده و توسط سازمان‌های دولتی، غیردولتی و دانشکده‌ها و مهمتر اینکه، توسط شهروندان مناطق شهری و شهرهای کوچک حمایت می‌شوند. سبزه‌ها، شبکه‌هایی از زمین هستند که برای اهداف چندگانه و سازگار با مفهوم کاربری پایدار ارضی، برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شده‌اند (آهرن ۱۹۹۶). مجموعه‌ای جامع از تعریف سبزه توسط چارلز لیتل، نویسنده کتاب محبوب "سبزه‌ها برای آمریکا" در سال ۱۹۹۰ ارائه شده است. در این کتاب آمده: "سبزه، فضای باز خطی ایجاد شده در امتداد یک گذرگاه طبیعی، مانند حاشیه رودخانه، رود دره و یا در امتداد راه‌آهن است که به مکانی، تفریحی، کانال یا جاده خوش منظره، تبدیل، فضای باز، پارک‌ها، ذخایر طبیعی، سایت‌های فرهنگی و تاریخی را به یکدیگر و به مناطق پرجمعیت وصل می‌کند". برخی از پارک‌های نواری یا خطی که به عنوان باغ‌راه‌ها یا کمر بند سبز در نظر گرفته می‌شوند (لیتل ۱۹۹۰)، شاید پذیرفته‌شده‌ترین تعریف در مورد سبزه در آمریکا در گزارش کمیسیون ریاست جمهوری در مورد "فضای باز آمریکایی‌ها در ایالات متحده آمریکا" در سال ۱۹۸۷ گنجانده شده است. نحوه اتصال فضاهای باز و سبزه‌ها به مناطق شهری و روستایی و در نتیجه، دسترسی آسان مردم به این فضاها، باعث شده تا کمیسیون مذکور از این طرح حمایت کند. این موضوع، حاکی از علاقه حاکمیت، نسبت به حفظ اراضی آمریکا در دوران معاصر و اواخر قرن بیستم است. از طرفی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، پارک‌های ملی بزرگ اما دورافتاده و سایر پارک‌های ملی و مناطق حفاظت شده، نیز مورد حمایت بودند (زوبه ۱۹۷۵). سرآغاز برنامه‌ریزی سبز به سال‌های ۱۷۰۰ تا آغاز قرن ۲۰ بازمی‌گردد. اولین نسل مسیرهای سبز، محورها، بلوارها و باغ‌راه‌ها بودند که تحت تاثیر محورهای تشریفاتی رومی قرون وسطایی که به مسیر مقدس نیز شناخته می‌شدند، قرار داشتند. این مسیر مقدس با پیوند هفت کلیسا به یکدیگر، تجربه بازدید همزمان هفت کلیسا را مهیا می‌کرد. از طرفی دیگر، برای ساخت بلوارهای محوری و باشکوه، از شهرسازی و معماری باروک برای نمایش قدرت امپراتوری آن دوران، الهام گرفته شد (برای مثال طرح بلوار بارون اوسمان). در آمریکا، فردریک لا اولمستد بسیار معروف بود. پاتریک آپرکرومبی از ایده کمر بند سبز در اطراف لندن دفاع می‌کرد.

نسل دوم مسیرهای سبز، واکنشی به صنعتی شدن و مسیرهای موتوروی بود. از آنجا که شکل غالب خودرو به وسیله نقلیه مسافرتی تبدیل شده بود، بین دهه ۱۹۶۰ و اواسط دهه ۱۹۸۰ این نسل از سبزه‌راه‌ها، توسعه یافت. در این نسل، برنامه‌ریز و طراح به دنبال پارک خطی و دالان‌ها، حاشیه رودخانه‌ها، راه‌های ساحلی و همه مسیرهایی بودند که هیچ‌کدام از آنها موتوروی نبودند، به‌عنوان پیشنهادی ایده‌آل برای حفاظت و پیوند دادن طیف گسترده‌ای از منابع فرهنگی و تفریحی. با شروع جنبش اکولوژی در سال ۱۹۸۰، مفهوم سبزه‌راه تغییر کرد. سازمان صلح سبز از جمله سازمان‌های رادیکال بود که علیه تخریب محیط‌زیست اقدام می‌کرد. محوریت و عقیده چنین سازمان‌هایی درباره افراد، رفتارها، رویدادها، حول مفاهیم سیاسی و سبک زندگی مبتنی بر علم اکولوژی و ایده طبیعت به عنوان یک ارزش، متمرکز بود. "جنبش بوم‌شناسی"، اصطلاحی است برای گروه‌ها، ایدئولوژی‌ها و نگرش‌های مختلف.

طبق نظر سرزن (۱۹۹۵)، نسل سوم سبزه‌راه، گذرگاه‌هایی از جنس خشکی و آب هستند که از طیف گسترده‌ای از منابع طبیعی، فرهنگی و تفریحی پشتیبانی و آنها را به هم پیوند می‌دهند. سبزه‌راه‌ها، همان گذرگاه‌هایی با فضای باز محافظت شده هستند که در جهت اهداف محافظتی یا تفریحی مدیریت می‌شوند. آنها از ویژگی‌های طبیعی زمین و آب مثل سلسله کوه‌ها یا رودخانه‌ها یا چشم‌اندازهای انسانی مانند گذرگاه‌های راه‌آهن‌ها یا کانال‌های متروکه بعیت می‌کنند و ذخایر طبیعی، پارک‌ها، مکان‌های فرهنگی و تاریخی را با مناطق پرجمعیت پیوند دهند.

ارزش اجتماعی (استفاده انسانی): سبزه‌راه‌ها برای

شناسایی، پشتیبانی و خلق مجموعه‌ای از دالان‌ها، هستند که فرصت‌هایی را جهت استفاده انسانی فراهم می‌کنند مانند:

- نگهداری و حفاظت
- حمل و نقل
- آموزش و پرورش
- تفریح و سرگرمی
- تولید

علاوه بر این، این دالان‌ها، فرصت‌های مناسبی برای افراد و خانواده‌ها فراهم می‌کنند تا طبیعت را به شکل‌های مختلف تجربه کرده، پیوند میان پارک‌ها، محله‌ها، نقاط دیدنی و مراکز فعال را تجربه کنند.

نگهداری (preservation) و حفاظت (conservation):

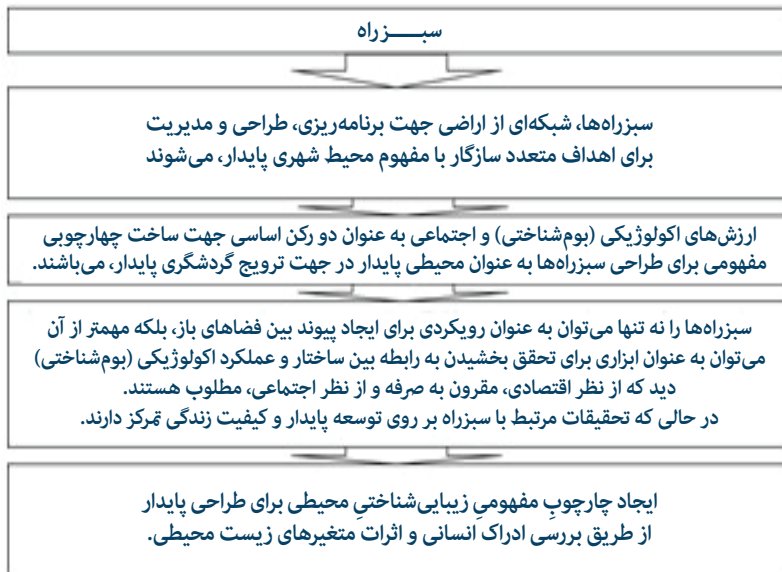
فراهم کردن یک سیستم حائل طبیعی که باعث ارتقاء کیفیت زندگی از طریق حفاظت و نگهداری از سیستم‌های طبیعی موجود و شیوه‌های زندگی بومی شود.

o نگهداری (preservation): تلاش نگهداری تمرکز بر روی هدف نهایی پشتیبانی از منابع طبیعی است.

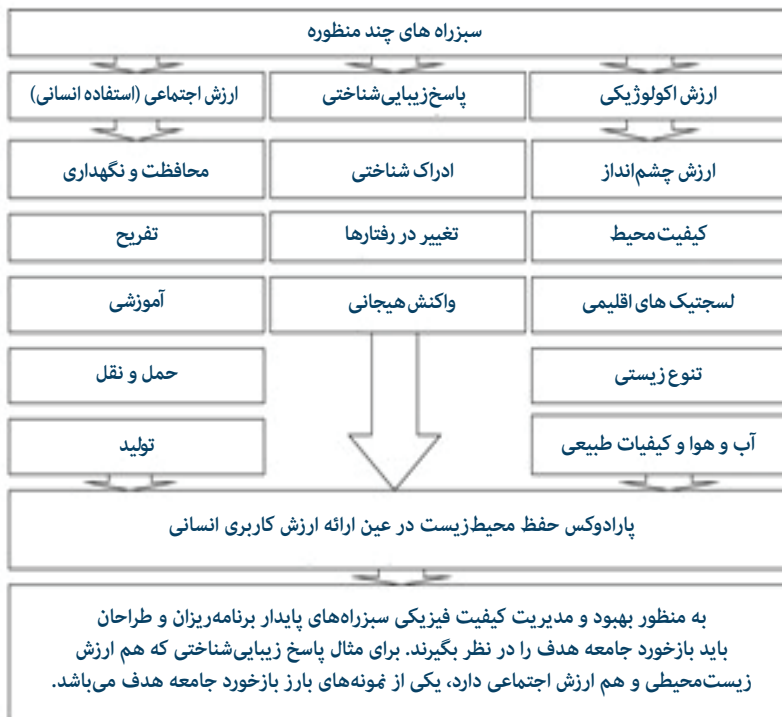
o حفاظت (conservation): تلاش حفاظت تمرکز بر روی هدف کنترل استفاده و پشتیبانی سیستماتیک از منابع طبیعی است.

• **حمل و نقل:** ارائه راه‌ها و امکاناتی در جهت ترویج و ارتقای حمل و نقل غیر موتوروی.

• **آموزش و پرورش:** ارائه فرصت‌هایی برای هم خودگردانی و هم برنامه‌های تفسیری که منجر به درک بیشتر از محیط زیست طبیعی و میراث فرهنگی و کوشش‌های نگهداری و حفاظتی می‌شود.



جدول ۲ - تعاریف سبز راه



جدول ۳ - سبز راه‌های چند منظوره

• **تفریح و سرگرمی:** ارائه فرصت‌های تجربه و لذت بردن از خارج از منزل در یک محیط طبیعی.

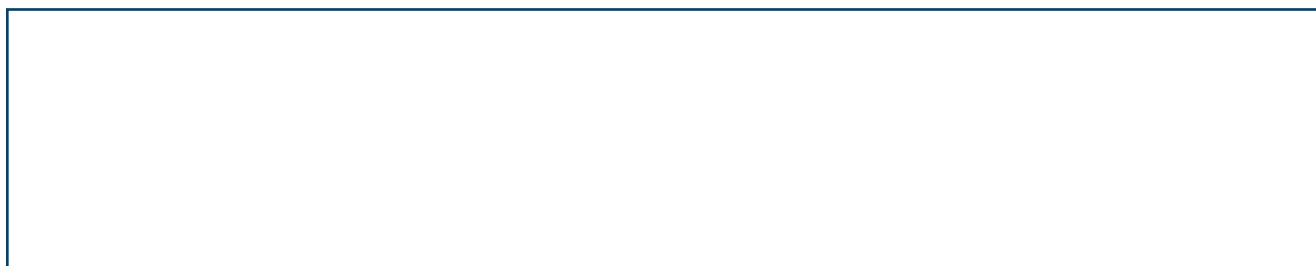
• **تولید:** جایی که جامعه محلی می‌تواند مواد غذایی خود را پرورش دهد و مستقیماً در معرض فروش قرار دهد. بدین ترتیب اراضی بایر تبدیل به اراضی مولد می‌گردند.

توسعه پایدار

طی دوره تاریخی طولانی، نیکوزیا، نمونه زنده و بارزی از میراث غنی جزیره بوده و برخی از بهترین نمونه‌های معماری بیزانسی، قرون وسطای فرانسوی، ونیزی، عثمانی و استعمار بریتانیا را در خود جای داده است. در حال حاضر، نیکوزیا، توسط منطقه حائلی ساکنان قبرسی-یونانی و قبرسی-ترک را از یکدیگر جدا و تقسیم کرده است. نیکوزیا به دو بخش شهری کاملاً مستقل و در حال توسعه تقسیم شده که عامل از هم پاشیدگی هویت شهر نیز شده است. در طول دوره قرون وسطی تا سال ۱۵۶۷، نهر لفکوشا از میان شهر نیکوزیا، محصور با دیوارهای ونیزی، عبور می‌کرده است. اما بعدها به دلایل استراتژیک و احتمال حمله عثمانی، به خارج و داخل خندق تازه ساخته شده منحرف شد. از سال ۱۵۷۰، زمانی که عثمانی‌ها، نیکوزیا را تصرف کردند، بستر قدیمی رودخانه که در میان شهر محصور شده بود به حال خود رها و محل تخلیه زیاله گردید. در سال ۱۸۸۲، دوره سلطنت بریتانیا، بستر قدیمی رودخانه به دلایل بهداشتی پوشانده شد (آتالیدیس ۱۹۸۱). این نهر دارای ویژگی‌های اکولوژیکی (بوم‌شناختی) فوق‌العاده‌ای است. مشکل گردشگری جزیره با توسعه پایدار گردشگری، برطرف می‌شود. کنترل موثر توسعه در سطح ملی، افزایش سرمایه‌گذاری عمومی بر توسعه زیرساخت‌ها و امکانات، بهبود محیط‌زیست در مناطق تفریحی و افزایش کیفیت تجربه گردشگری از دیگر راهکارها است. تولید و ارائه محصولات گردشگری، زمینه و بستر مناسبی است، جهت قدردانی مخاطب از آنچه کشور به بازدیدکنندگان ارائه می‌دهد. این زمینه و بستر، همان، تصویر کلی یا برند یک کشور محسوب می‌شود. ایجاد و توسعه منبعی جدید گردشگری، مانند یک تور اکولوژیکی برای شناساندن گیاهان بومی و در عین حال بازسازی اکوسیستم آسیب‌دیده در جهت نمایش و تبلیغ زیبایی مناظر و تصویری سازگار با محیط‌زیست از شهر لفکوشا. همچنین با استفاده از نهر لفکوشا، فضای سبز حائل بین شهر قدیمی و شهر جدید، به عنوان مکان آموزشی در حوزه اکوسیستم منطقه طراحی شده است، حفاظت می‌شود بازدیدکنندگان می‌توانند در مورد ویژگی زیستگاه انواع مختلف گیاهان موجود، آموزش و دانش خود را مانند یک کلاس درس تجربه محور، افزایش دهند. این فرآیند به شهر لفکوشا کمک می‌کند تا تصویر خود به عنوان یک باغ شهر با طراحی سبزراه در مقیاس بزرگ را ارتقا دهد. قابل ذکر است که شهر از سه منطقه فرهنگی، اکولوژیکی و تفریحی تشکیل شده است.

برنامه طراحی

طبق نظر کاواراتیز و آشورث (۲۰۰۵)، مولفه برند، همان هویت برند است، به این معنی که مالکان دوست دارند برداشت‌ها نسبت به برند چگونه باشد؟ چگونه جایگاه برند به عنوان بخشی از طرح پیشنهادی به کاربران منتقل شود؟ و چگونه تصویر برند به عنوان مولفه‌ای بین مشارکت‌کنندگان و تجربه‌ی آنها، منتقل شود؟ این بخش از مطالعه سعی دارد به نقش عناصری از یک مکان بپردازد که در مقیاس‌ها و سطوح مختلف، تصویری قوی برای ارتقای هویت مکان به عنوان عامل مهمی در برندسازی شهر ارائه می‌دهد؛ بنابراین شناخت آن عناصر ضروری است.



طراحی زیبایی‌شناختی پایدار

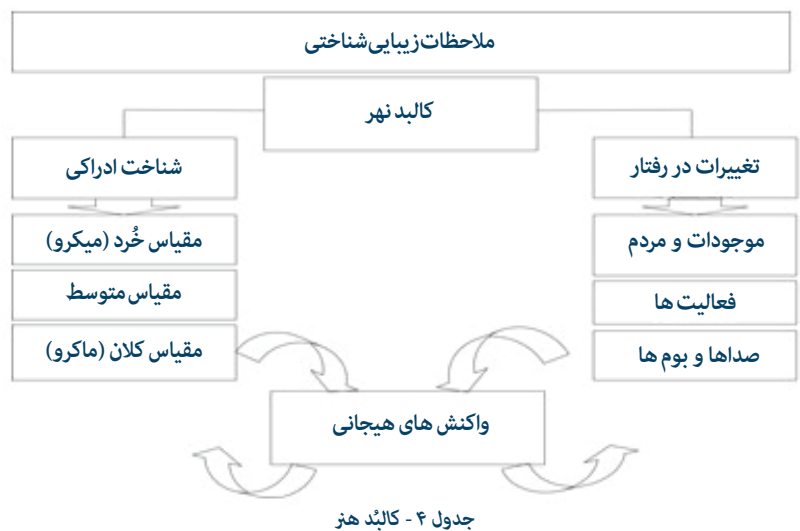
از آنجا که مطالعات زیبایی‌شناختی محیطی، مبتنی بر واکنش افراد به کیفیت بصری محیط است، دغدغه اصلی در ارتباط با بررسی یک پدیده روان‌شناختی از طریق تجزیه و تحلیل تاثیر کیفیت و ویژگی‌های زیبایی‌شناختی یک محیط بر واکنش افراد به محیط، می‌باشد. ارزیابی افراد از احساسات و رفتارهای ناشی از تجربه‌های قبلی از محیط و کشف نشانه و سرنخ یا از طریق یادآوری مکان‌های مشابه، باعث پاسخ‌های متفاوت به کیفیت زیبایی‌شناختی محیط می‌شود.

تحقیق حاضر، اهمیت ویژگی‌های بصری محیط و پاسخ‌های افراد به این ویژگی‌ها را نشان می‌دهد. عوامل زیبایی‌شناختی، تاثیرات مهمی بر قضاوت در مورد رضایت جامعه دارند. این تحقیق نشان داده است که واکنش انسان، از ناظر و محیط و تعامل مداوم بین این دو نشأت می‌گیرد. برنامه‌ریز، طراح و مدیریت باید رابطه بین ویژگی‌های بصری یک محیط و پاسخ انسان را درک و با ارائه طرح‌هایی، متناسب با الویت‌ها و فعالیت‌های کاربران، به این تعامل کمک کنند. درک کیفیت زیبایی‌شناختی، تضاد روان‌شناختی است که شامل ارزیابی محیط یا احساس افراد نسبت به محیط می‌باشد.

پاسخ زیبایی‌شناختی در این مطالعه با تعریف گسترده‌تر آن مطابقت دارد؛ که به ارزیابی تجربه زیبایی‌شناختی محیط اشاره می‌کند (تسار ۱۹۹۷). پاسخ زیبایی‌شناختی، پاسخ "متفاوت ارزشمندی نسبت به اهمیت تجاری، اقتصادی، حیاتی یا بهداشتی یک محیط است" (اسپارشات ۱۹۷۲).

پاسخ زیبایی‌شناختی شامل این سه مولفه‌ی مهم می‌باشد: ادراک شناختی، واکنش هیجانی، تغییرات در رفتار (ایزارد ۱۹۷۷). ادراک شناختی همان ارزیابی روانشناختی مکان‌ها است، در حالی که واکنش هیجانی، پاسخ فیزیولوژیکی به مکان است. واکنش هیجانی به یک حالت درونی مثل لذت یا تحریک که با محیط در ارتباط است، اشاره دارد (راسل و اسنودگرس ۱۹۸۹).

جهت دستیابی به توسعه موثر سبزه‌راه پایدار، درک برنامه‌ریزان و طراحان از واکنش زیبایی‌شناختی انسان به این محیط‌ها، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این صورت است که نحوه استفاده بهینه مردم از طبیعت نزدیک به سبزه‌راه‌ها در مناطق شهری، به راحتی قابل بررسی خواهد بود. مطالعه حاضر چارچوبی را ایجاد می‌کند تا مفهوم توسعه پایدار با استفاده از مفهوم زیبایی‌شناختی محیط و بررسی نقش‌های متعدد کیفیت زیبایی‌شناختی محیط به عنوان منبعی برای تفریح و گردشگری پایدار، بدرستی بیان گردد.



شناخت ادراکی: شناخت، اصطلاح علمی برای "فرآیند تفکر" است. کاربرد این اصطلاح در رشته‌های مختلف متفاوت است. برای مثال فرآیند اندیشیدن در روانشناسی و علوم شناختی معمولاً به پردازش اطلاعات عملکردهای روانشناختی یک فرد اشاره دارد. تفاسیر دیگر از معنای شناخت، آن را به بسط مفاهیم، ذهنیت‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های فردی پیوند می‌دهد. ادراک، بخشی از فرآیند شناخت است و با شناخت و تفسیر آگاهانه‌ی محرک‌های حسی برای کسب دانش یا کسب انگیزه برای عمل به منظور بازماندگی و درک محیط، مشخص می‌شود. این تفسیر با تجارب گذشته و حال هر فرد ارتباط متقابل دارد، بنابراین افراد با فرهنگ‌های مختلف در جهان برحسب ظرفیت ادراک، شرایط محیطی، آمادگی ادراک و شرایط ادراک، آگاهی‌شناختی متفاوتی دارند.

ظرفیت ادراک: ادراک محیط به شرایط فیزیولوژیکی اندام‌های حسی انسان بستگی دارد. برای مثال، ادراک سیستم بینایی بر دامنه دید ناظر، قدرت بینایی و سرعت انتقال توسط فرد بستگی دارد. این عوامل در طراحی و تغییر تصاویر بصری از اهمیت بصری خاصی برخوردار هستند (تریب ۱۹۷۴).

شرایط محیطی: ظاهر محیط به عوامل بالقوه محیطی نسبت داده می‌شود که پس از ادراک به عوامل بالفعل در قالب یک تصویر، تبدیل می‌شوند. این تابعی از جنبه خلاقانه‌ی انفرادی ادراک و شرایط ادراکی در زمان آگاهی و درک است. مجموعه عوامل محیطی، نوع و قوانین حاکم در میان آنها بعلاوه وضعیت بیننده در این فرآیند پیچیده، محیط موثر را تعیین می‌کند.

شرایط ادراک: شرایط ادراک به طور جدی، شرایطی است که ظرفیت ادراک را بوجود آورده است بنابراین شرایط ادراک امکانات ملموس هستند، مثلاً میزان نور موجود باعث می‌شود کنتراست رنگ و تضاد بصری، اغراق‌آمیز باشد یا کمتر از واقعیت باشد. دما و رطوبت از جمله عوامل و شرایط محیطی تاثیرگذار هستند (جویدیک ۱۹۸۵).

آمادگی ادراک: ظرفیت ادراک و شرایط ادراک، عواملی را که بیننده باید در شرایط خاص درک کند، تعیین می‌کنند. آنچه واقعاً بیننده برداشت می‌کند به این واقعیت بستگی دارد که او چقدر برای درک آمادگی دارد و امکانات برای درک چه چیزهایی هستند. آمادگی ادراک می‌تواند به امکانات غیرملموس و ذهنی گفته شود.

آمادگی برای درک فرد به تجربه، ارزش‌ها، آرمان‌ها، تصویرسازی‌ها، دین، استعدادها، انگیزه‌ها، اخلاق، زبان، هنر و علم، نژاد، معیارها، اولویت‌ها، تجربیات، اهداف و در نهایت سلامت روحی و معنوی ناظر بستگی دارد. اما نباید فراموش کرد که شرایط موجود (شرایط برای درک)، نقشی اساسی در این فرآیند ایفا می‌کند، چون محیط موجود به بیننده اجازه می‌دهد که ببیند یا نبیند، حتی اگر بیننده به درک علاقه‌مند باشد (جویدیک ۱۹۸۵).
ایزارد در کتاب احساس انسان (human emotion) می‌گوید پاسخ زیبایی‌شناسی متشکل از سه مولفه است: شناخت ادراکی، واکنش احساسی عاطفی و تغییرات در رفتار. در علم زیبایی‌شناختی، شناخت ادراکی از یک مکان در سه مقیاس مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد:

• **مقیاس کلان (یا ماکرو):**

عناصر تشکیل‌دهنده در مقیاس کلان:

- پر و خالی
- خط آسمان و نیمرخ

• **مقیاس متوسط:**

عناصر تشکیل‌دهنده در مقیاس متوسط:

- نشانه

- راه

- لبه

- گره

- محله

• **مقیاس خرد (یا میکرو):**

عناصر تشکیل‌دهنده مقیاس خرد:

- نماها

- مبلمان شهری

- فضاها

تغییرات در رفتار: تغییر در رفتار به هرگونه تحول یا اصلاح رفتار انسان اشاره دارد. نظریه تغییرات رفتاری، تلاش‌هایی برای توضیح اینکه چرا رفتارها تغییر می‌کنند، می‌باشند. این نظریه، استناد می‌کند که خصوصیات زیست‌محیطی، ویژگی‌های فردی و رفتاری به عنوان عوامل مهم در تعیین رفتاری است (ایزارد، ۱۹۷۷).

• **موجودات و مردم**

- مراسم‌های فرهنگی

- سبک زندگی

- نحوه استفاده از فضاها

• **فعالیت‌ها**

- تفریحی

- آموزشی

- تولیدی

- حمل و نقل

• **بوها و صداها**

- فضاهای رقص و موسیقی

- پوشش گیاهی خوشبو

- پرندگان و صدای آواز آنها

- صدای آب

واکنش عاطفی: به حالت درونی مثل لذت یا انگیزتگی اشاره دارد که با محیط در ارتباط است (راسل، اسنودگراس ۱۹۸۹) و همچنین با ادراک شناختی و تغییرات رفتاری، ارتباط مستقیم دارد. مجموعه‌ای از ظرف و مظروف، که واکنش عاطفی یا جال و هوا را شکل می‌دهند.

• ارزش‌های اکولوژیکی (یا بوم شناختی)

دستیابی به پایداری زیست‌محیطی به دلیل کیفیات محیط:

- ارزش چشم‌انداز
- کیفیات طبیعی آب، هوا و طبیعت
- تنوع زیستی
- ارتباط بین سبزراه و ساختار محیط
- ادغام و یکپارچه‌سازی محیط طبیعی و ساخته شده
- ایجاد فعالیت‌های تفریحی مرتبط با آب
- ایجاد فضاهای تجمع در کنار رودخانه و درختان
- استفاده از پوشش گیاهی بومی در طراحی
- استفاده از استانداردها در رابطه با پیشگیری از آلودگی

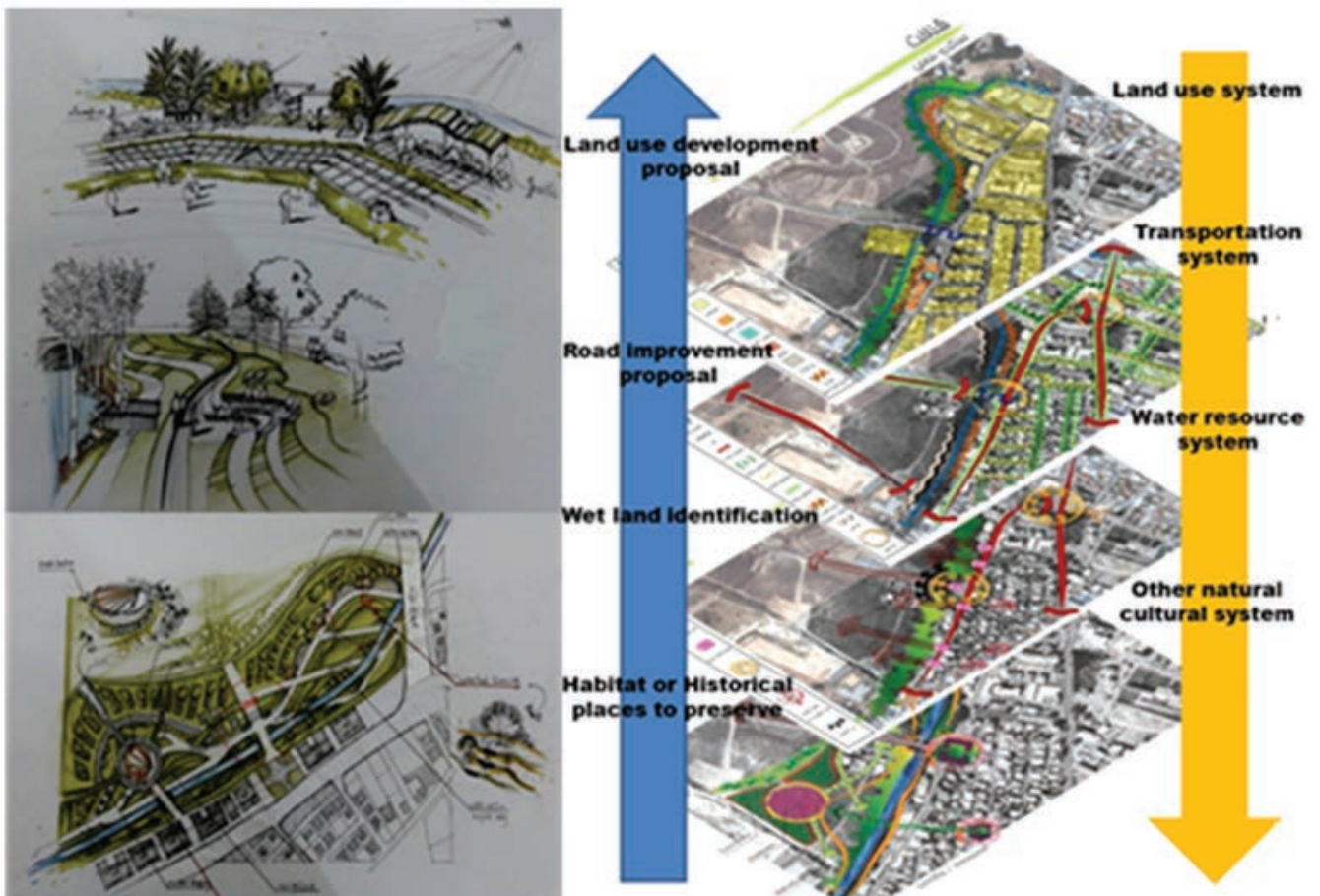
• لجستیک‌های اقلیمی، هدف اکولوژیکی اصلی می‌باشند:

- o داشتن بهترین سایه و آفتاب
- استفاده از پوشش گیاهی برای ایجاد سایه و متناسب با آب و هوا در تابستان
- استفاده از سایه‌بان‌های موقت و دائمی برای جلوگیری از تابش آفتاب
- o تنظیم رطوبت و دما
- o کنترل باد
- استفاده از پوشش گیاهی برای کنترل باد متناسب با اقلیم

توسعه پایدار

ملاحظات فیزیکی و عملکردی

با ارزیابی SWOT مقایسه طرح که ترکیبی از وضعیت موجود و پیشنهادات است، پژوهش را به طراحی اهداف، خط مشی، راهنما و استانداردها سوق می‌دهد.



جدول ۳ - طرح قیاسی

تجزیه و تحلیل SWOT: نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

جدول ۵ - تجزیه و تحلیل SWOT

واکنش‌های هیجانی		محیط طبیعی			
مشخصه‌های جغرافیایی: موقعیت، ویژگی‌های توپوگرافی					
چشم‌انداز: گیاهان و جانوران					
آب					
خاک					
کلان (ماکرو)	• پُر و خالی • خط آسمان و نیمرخ	محیط ساخته شده پاسخ‌های زیبایی‌شناختی درک شناختی			
متوسط	• نشانه- نهر به عنوان نشانه شاخص طبیعی • راه- سبزه به عنوان یکی از روش‌های هماهنگ‌سازی حمل و نقل مختلف و تعامل درهم تنیده‌ی عابران پیاده و خودروها				
تجزیه و تحلیل SWOT	• لبه- نهر به عنوان یک لبه، فضای برای تفریح و ورزش کردن فراهم می‌کند و شامل یک سالن نمایشگاهی و تبلیغاتی برای جذب و مشارکت شهروندان می‌باشد. • گره- به مرکز فعالیت‌ها گفته می‌شود که در آنجا افراد می‌توانند دور هم جمع شوند و به فعالیت‌هایی بپردازند؛ برای مثال، پارک یا میدان عمومی یا گره‌ها نمایش داده می‌شوند، در حالی که اشیای فیزیکی که تنها نقطه‌ی مرجع بصری در نظر گرفته می‌شوند، در کنار مکان‌های برجسته و شاخص نمایش داده می‌شوند. • محله- دست نخورده نگه داشتن گذرگاه ساحلی و گسترده شده در امتداد یک نهر	تغییرات در رفتار واکنش هیجانی			
	خُرد (میکرو)				• نماها • مبلمان شهری
	مردم و موجودیت				• مراسمات فرهنگی • سبک زندگی • نحوه استفاده از فضاها
	فعالیت‌ها				• تفریحی • آموزشی • تولیدی
	صدا و بو				• با انواع کاربری‌ها و محیط
	تحریک حالت درونی که با محیط در ارتباط است				• شادی • آسایش و راحتی • امنیت و ایمنی
	کاربری ارضی قدیمی بودن				فای ساختمان‌ها: طراحی، روش ساخت، مصالح ساخت، رنگ و بافت، سازه‌ی ساخته شده
کیفیت‌های عملکردی و فیزیکی	داده‌های شبکه: سلسله مراتب شبکه‌ها، جهت ترافیک، مقاطع، عابرین پیاده، مسیرهای مخصوص دوچرخه سوارها، فضاها مخصوص پارکینگ مبلمان شهری: طراحی، سامان‌بخشی و جهت‌گیری، رنگ و بافت زیرساخت‌ها: لوله‌های آب، زهکشی، فاضلاب‌ها، برق و ...				
محیط اجتماعی-اقتصادی	طرح کلی (یا نقشه‌ی مادر)، طرح تفصیلی یا هر چیز دیگری که با تصمیمات دولت در ارتباط باشند.				
	قوانین و ضوابط				
	جمعیت‌شناسی‌ها، کاربران				
	دینفعان رسمی و غیررسمی در برنامه‌ریزی مسیر سبز				

توسعه پایدار

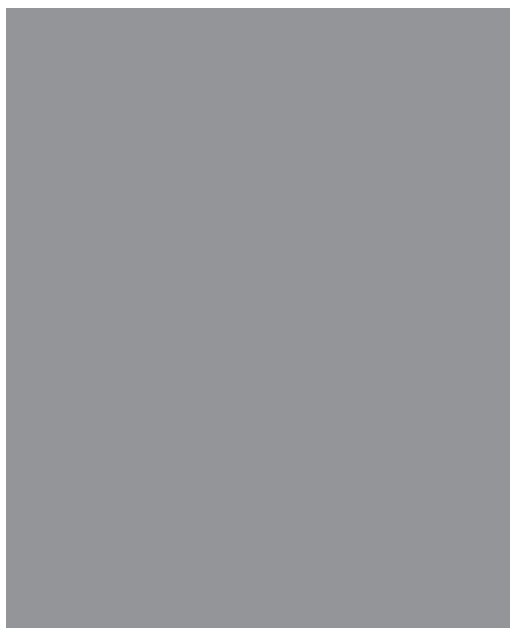
اهداف، رهنمودها و سیاست‌های مختلف در طراحی نهر لفقوسا به‌عنوان یک سبزه‌راه فرهنگی تاریخی، خلاقانه، مولد، با صحنه‌های متغیر، منظر پویا، با ارائه هویت فضایی محلی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:



شکل ۲. نمای دید پرنده‌ای از نهر لفقوسا



شکل ۱. در هم تنیدگی نهر لفقوسا و شهر نیکوزیا



لايه‌ها	اهداف	استراتژی (دستورالعمل)	خط مشی / سیاست
کاربری ارضی	فضای تفریحی	تولید برای فروش محلی	<ul style="list-style-type: none"> • مکان‌هایی برای نوشیدن، خوردن و رقصیدن • مکان‌هایی برای برگزاری مراسم • مکان‌هایی برای ورزش کردن • مکان‌هایی برای پیک نیک
	فضاهای آموزشی	پلتفرمی برای سرویس‌های خودگردان در جامعه و کمک کردن به شهروندان در جهت به عهده گرفتن مسئولیت	<ul style="list-style-type: none"> • برنامه‌هایی مخصوص جوانان، آموزش دادن اصول اولیه باغداری، آگاهی فرهنگی و زیست‌محیطی و تغذیه‌ی سالم
	تولید برای فروش محلی	دستیابی به شهری سبزتر از طریق متحول کردن سیستم غذایی و توسعه کشاورزی پایدار	<ul style="list-style-type: none"> • باغی مخصوص گیاهان دارویی • رشد و تولید خودکفای مواد غذایی • احیا کردن فعالیت‌هایی مثل زنبورداری
قابلیت دسترسی به وسایل حمل و نقل	آسایش و آرامش	آسایش و آرامش در دسترسی	<ul style="list-style-type: none"> • مستقیم بودن و داشتن مسیرهای انحرافی در مسیرهای مخصوص دوچرخه سواری • دسترسی ایمن دوچرخه سواران به خیابان اصلی • حمل و نقل سریع و عبور ایمن عابران از محل خط‌کشی شده • مشخص بودن مسیر دوچرخه سواری • مسیر دوچرخه سواری رنگ‌آمیزی شده • مسیر جداگانه برای دور زدن دوچرخه‌ها • تقاطع کمتر بین مسیرهای دوچرخه سواری • بررسی نرمی و پوشش مناسب زمین • عرض مناسب مسیر
	ایمنی و امنیت	مخالف و ضد وسیله نقلیه	<ul style="list-style-type: none"> • امنیت و ایمنی برای عابرین پیاده • تقاطع مناسب برای وسایل نقلیه به همراه مسیرهایی برای عابرین پیاده • سلسله مراتب دسترسی‌ها • درختکاری مناسب • علامت‌گذاری و نصب تابلو
	یکپارچگی و پیوستگی	مسیرهای متصل به هم	<ul style="list-style-type: none"> • نشانه‌گذاری در ابتدای مسیر برای هدایت افراد به مسیری امن‌تر • وجود زیستگاه‌ها، روستاها و شهرها برای ایمنی بیشتر اگر مسیر سبز در خارج از شهر باشد. • نورپردازی و استفاده از نمای باز
	تفسیر	بیان هنری با تعریف کردن داستان	<ul style="list-style-type: none"> • پیوستگی بین مراکز تجاری، مسکونی، حمل و نقل عمومی، اداری، مرکز شهر، مدارس، حومه شهر، برای ایجاد یک شبکه‌ی پیوسته
سر زندگی	مخصوص جشن	مخصوص جشن	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد سکوت و آرامش برای کمک به ایجاد فضایی برای تفسیر • ادراک محیطی بیشتر با یادگیری از طبیعت، نصب تابلوها و نشانه‌ها، ایجاد فضایی با هویت و با وقار
	مرموز و شادی بخش	مرموز و شادی بخش	<ul style="list-style-type: none"> • عابرین پیاده باید مجذوب طراحی خوبی که باعث افزایش پتانسیل محیط شده است، شوند. • در نظر گرفتن مکان‌هایی مخصوص مراسمات با نورپردازی کافی در نزدیکی محل غذاخوری، محل نوشیدن و بازارها
	تنوع	تنوع	<ul style="list-style-type: none"> • طراحی چشم‌انداز با مناظر مرتب از طریق درخت کاری و استفاده از سنگ • در نظر گرفتن نما، رنگ و مواد با کیفیت و ایجاد پیوستگی و یکپارچگی

				<ul style="list-style-type: none"> • مسیره‌های سبز باید از میان اراضی مختلف به کار گرفته شده، عبور کنند. • فضاهایی برای استراحت باید در نظر گرفته شوند.
			پیدا کردن راه	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد ایستگاه‌های اینترنت برای دستیابی به نقشه‌های GIS و اطلاعات • قرار دادن نقشه در اول مسیر به همراه اطلاعاتی در ارتباط با زمانبندی، میزان فاصله، موقعیت پارکینگ‌ها و دیگر مشخصه‌ها
			طرح‌های جهانی	<ul style="list-style-type: none"> • ایستگاه‌ها و مسیره‌های تفریحی مطابق با استانداردهای جهانی • قابلیت دسترسی برای تمام سنین و جنسیت‌ها و طبقات • مسیره‌های دارای حسگر در نزدیکی پارکینگ برای افراد خاص مثلاً افراد مبتلا به دیابت • رمپ‌های مناسب به شکل تپه‌هایی با شیب حداکثر ۸٪ (با طول ۹۰ متر) و با شیب عرضی ۱٪ الی ۴٪ مناسب برای یک راه باریک
			مقیاس کلان	<ul style="list-style-type: none"> • نقش هماهنگ صلبیت و تخلخل در مجسمه سازی • دور نمای شهری منظم
			مقیاس متوسط	<ul style="list-style-type: none"> • مکان برجسته و شاخص- نهر به عنوان مکانی برجسته و شاخص. • دسترسی‌ها- مسیر سبز به عنوان یکی از روش‌های هماهنگ‌سازی وسایل حمل و نقل مختلف و تعامل در هم تنیده‌ی عابران پیاده و خودروها. • حاشیه‌ها- نهر به عنوان یک منطقه‌ی حاشیه‌ای، فضایی برای تفریح و ورزش کردن فراهم می‌کند و شامل یک سالن نمایشگاهی و تبلیغاتی برای جذب و مشارکت شهروندان می‌باشد. • گر-ها- به مرکز فعالیت‌ها گفته می‌شود که در آنجا افراد می‌توانند دور هم جمع شوند و به فعالیت‌هایی بپردازند؛ برای مثال، پارک یا میدان عمومی با گر-ها نمایش داده می‌شوند، در حالی که اشیای فیزیکی که تنها نقطه‌ی مرجع بصری در نظر گرفته می‌شوند، در کنار مکان‌های برجسته و شاخص نمایش داده می‌شوند. • ناحیه- دست نخورده نگه داشتن گذرگاه ساحلی و گسترده شده در امتداد یک نهر.
			مقیاس خرد	<ul style="list-style-type: none"> • نمای ساختمان‌ها؛ • طراحی • روش ساخت و ساز • رنگ و بافت • سازه‌ی ساخته شده • تجهیزسازی؛ • طراحی • سامان‌بخشی و جهت‌گیری • رنگ و بافت
			موجودیت و مردم	<ul style="list-style-type: none"> • مراسمات فرهنگی • سبک زندگی • نحوه استفاده از فضاها
			تغییر در رفتار	<ul style="list-style-type: none"> • تفریحی • آموزشی • تولیدی
			واکنش هیجانی	<ul style="list-style-type: none"> • بوها و صداها • به دلیل انواع کاربری‌ها و محیط
			رسیدن به پایدار محیطی به دلیل کیفیت محیط	<ul style="list-style-type: none"> • تحرک حالت درونی که با محیط در ارتباط است. • ارزش چشم‌انداز • کیفیت آب، هوا و طبیعت • تنوع زیستی • ارتباط بین مسیر سبز و ساختار محیط • ادغام و یکپارچه‌سازی محیط طبیعی و ساخته شده
			لجستیک‌های اقلیمی	<ul style="list-style-type: none"> • داشتن بهترین سایه و آفتاب • تنظیم رطوبت و دما • کنترل باد • استفاده از پوشش گیاهی برای ایجاد سایه و متناسب با آب و هوا در تابستان • استفاده از سایه‌بان‌های موقت و دائمی برای جلوگیری از تابش آفتاب

جدول ۶ - اهداف، خط‌مشی، دستورالعمل‌ها

استانداردهای طراحی شامل موارد زیر می‌شود:

- نواحی
- مقاطع عرضی پل‌ها
- نمونه‌های اولیه از مسیره‌ها و راه‌های باریک

نتیجه‌گیری

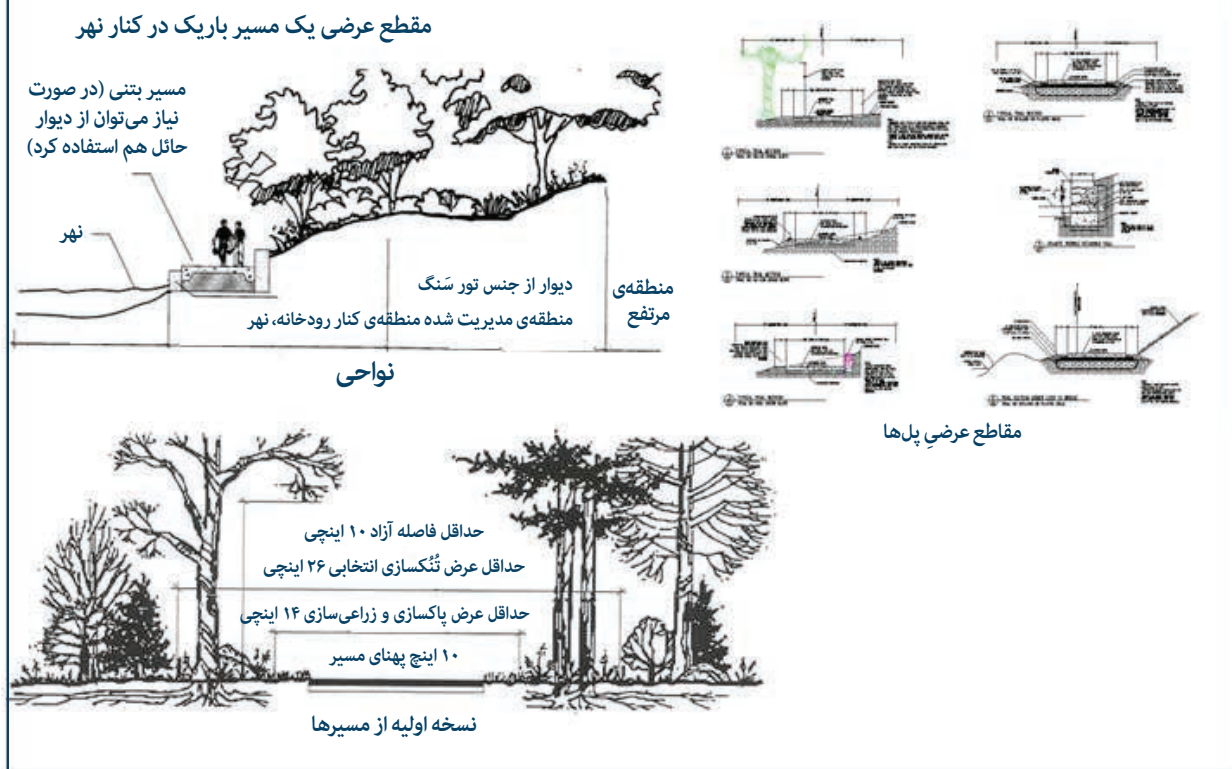
سبز راه نه تنها ابزاری برای محافظت از گذشته ما و نمایش آن است، بلکه دسترسی عموم را به ویژگی‌های تاریخی ممکن و در عین حال فرصت‌های آموزشی را فراهم و از منابع برای نسل‌های آینده محافظت می‌کند. تغییر موقعیت مجدد قبرس به عنوان یک مقصد گردشگری با تاکید کمتر بر گردشگری شن و آفتاب می‌تواند راه‌حل دیگری برای افزایش رقابت باشد، در عین حال باید بر توسعه گردشگری کشاورزی متکی بر فرهنگ، محیط طبیعی و مردم جزیره، تمرکز داشت. به طور کلی بازاریابی جزیره به عنوان قطعاتی از طبیعت و فرهنگ، که به صورت یک دنیای جادویی و ناب در جزیره‌ای کوچک و گرم و مهمان‌نواز که پُلی بین غرب و شرق، در دریای مدیترانه در تقاطع سه قاره است که گردشگری با کیفیات چند بعدی را جهت تجربه کردن گردشگران عرضه می‌کند خواهد بود.

طراحی و مدیریت آب، ناشی از طوفان نیز، می‌تواند بخشی از یک طرح بزرگتر برای احیای این منطقه و کمک به رشد آبی و در عین حال بهبود کیفیت آب و اکولوژی نهر لفکوشا باشد.

سخن پایانی

۱. پیدیوس یا Pedhieos (یونانی: Πεδιάίος، یونانی- قبرسی: Πηθικός و ترکی: Kanlı Dere)، طولانی‌ترین رودخانه قبرس است. این رودخانه از کوه‌های تروُدوس (Troodos) در نزدیکی صومعه ماخایراس سرچشمه می‌گیرد و از دشت‌های مساریا و پایتخت یعنی شهر نیکوزیا به سمت شمال شرقی جریان می‌یابد و سپس به سمت شرق هدایت می‌شود و از طریق خلیج فاماگوستا در نزدیکی شهر مربوط به یونان باستان یعنی سالامیس به دریا ختم می‌شود. طول این رودخانه تقریباً ۱۰۰ کیلومتر است. ۱۸ کیلومتر از کرانه‌ی این رودخانه در داخل و اطراف نیکوزیا، به گذرگاه‌های پیاده تبدیل شده است. دو سد که بزرگترین سد در تاماسوس است در سال ۲۰۰۲ در امتداد رودخانه ساخته شده است.

استانداردهای طراحی به شرح زیر هستند:



جدول ۷ - استانداردهای طراحی

منابع:

- آهم جی، "راه سبز در آمریکا: گرایش تئوری و چشم‌انداز"، دانشگاه ماساچوست، آمهرست، آمریکا، ۲۰۰۳.
- آهرن جی، فابوس جی جی، "راه های سبز: سرآغاز جنبشی بین‌المللی"، السیور، آمستردام، ۱۹۹۶.
- آهولت ایس، "هویت رقابتی: مدل جدیدی از مدیریت برند در کشورها، شهرها، مناطق"، پال گریو مک میلان، ۲۰۰۶.
- آشورث جی جی، "بازاریابی مکان‌های: ما در حال انجام چه کاری هستیم؟"، کنفرانس بین‌المللی بازاریابی شهری، تورین، ۱۹۹۴.
- آشورث جی جی، گراهام بی جی، "احساس مکان: احساس زمان"، انتشارات آشگیت، آلدرشات، ۲۰۰۵.
- آتلایز ای، "تغییرات اجتماعی و شهرنشینی در نیکوزیا، قبرس"، بدون نام ناشر، ۱۹۸۱.
- بیکون ادموند، "طراحی شهرها"، اولین چاپ این کتاب در بریتانیا توسط شرکت خصوصی تیمز و هودسون انجام گرفت، لندن، ۱۹۶۷.
- باث ایف، "قومیت و مفهوم فرهنگ"، مجازات‌های غیر خشونت‌آمیز و بقای فرهنگی، "ایفر هاروارد، ۱۹۹۵.
- برائون ای، تودور و دورست، لیل دبلیو، "تاریخ کانزاس سیتی، میزوری"، انتشارات پروت، بولدر، کلرادو، صفحه ۱۶۴-۱۶۳، ۱۹۷۸.
- کالبرستون، کورت، "جورج ادوارد: معمار منظر در دوره‌ی رنسانس معماری ایالت‌های مرکزی آمریکا"، به ویراستاری تیشلر دبلیو ایچ، نشریه دانشگاه ایلینویز، اوربانا، صفحه ۹۹-۲۰۰۰.
- اتحادیه راه‌های سبز اروپا، "راهنمایی در جهت عملکرد خوب راه‌های سبز اروپایی: نمونه‌ای از اقدامات انجام گرفته در شهرها و حومه شهرها"، ۲۰۰۰.
- فابوس جی جی، "برنامه‌ریزی منظر: راهنمایی در جهت استفاده هوشمندانه از چشم‌انداز"، نشریه وست ویو، بولدر، کلرادو، آمریکا، ۱۹۷۹.
- فابوس جی جی، "از پارک‌ها تا راه‌های سبز قرن بیست و یکم"، مجموعه مقالات منتخب جلسات آموزشی اجلاس سالانه ASLA در واشنگتن دی سی، ۴۴۰۱، خیابان کونکتیکات، ۱۹۹۱.
- فابوس جی جی، رایان آر ال، "مقدمه‌ای در ارتباط با برنامه‌ریزی راه سبز در سراسر جهان"، السیور، سرمقاله‌ی منظر و برنامه‌ریزی شهری ۲۰۰۶: ۷۶، صفحه ۶-۱، ۲۰۰۶.
- فابوس جی جی، رایان آر ال، "برنامه‌ریزی راه سبز: مقدمه"، سرمقاله‌ی منظر و برنامه‌ریزی شهری، السیور، ۲۰۰۴.
- فابوس جی جی، "ریشه و موارد مطالعاتی اخیر برنامه‌ریزی راه‌های سبز در آمریکا"، سرمقاله‌ی منظر و برنامه‌ریزی شهری ۲۰۰۳: ۶۸، صفحه ۳۴۲-۳۲۱، ۲۰۰۴.
- حبیب فرشته، "معرفی و شناخت اثرگذاری‌های فرهنگی در پیکربندی ساختار شهری"، تز دکتر، دانشگاه علوم و تحقیقات آزاد اسلامی، ایران، ۲۰۰۲.
- حبیب فرشته، "تلاش‌های فرهنگی-اجتماعی در درک فضای شهری"، تز دکتر، دپارتمان معماری-دانشکده معماری دانشگاه مدیترانه شرقی، ۲۰۰۷.
- حبیب فرشته، "یادگیری از معماری خشتی در مبحث تغییرات اقلیمی"، کنفرانس بین‌المللی، دانشگاه بین‌المللی قبرس، لفاکوشا، ۴ تا ۵ سپتامبر، ۲۰۰۸.
- حال ادوارد، "بعد پنهان"، ترجمه‌ی منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۹۹۷.
- هریسون دی، "بعد اجتماعی نوگرایی و توسعه"، رودلیچ، لندن، ۱۹۹۸.

- یوانو، یانيس ای، مجله یونسکو کورپر، مه ۱۹۹۷.
- ایواسک ایوار، موسسه خیریه بوکس ایرود، چاپ ۴۹، نورمن، اوکلاهاما، پاییز ۱۹۷۵.
- کاواراتیز ام و اشوورث جی جی، "برندسازی شهر: بیانیه ای گیرا در ارتباط با هویت و بازاریابی ناپایدار"، چاپ ۹۶، شماره ۵، صفحه ۵۱۴ - ۵۰۶، ۲۰۰۵.
- کاواراتیز ام، "از بازاریابی شهر تا برندسازی شهر: به سمت چارچوب کاری فرضی برای توسعه برندهای شهر و برندسازی مکان"، چاپ ۱، شماره ۱، صفحه ۷۳ - ۵۸، ۲۰۰۵.
- کاواراتیز ام، "برندسازی مکان: مروری کلی بر روند و مدل های مفهومی"، "مروری کلی بر بازاریابی"، چاپ ۵، شماره ۴، صفحه ۳۹۲ - ۳۴۲، ۲۰۰۵.
- کشیشیان کی، "نیکوزیا: پایتخت بعدی و حال حاضر قبرس"، "نیکوزیا: چشم انداز کوچ و برنامه ریزی شهری"، سرمقاله‌ی منظر و برنامه ریزی شهری ۲۰۰۶: ۷۶، صفحه ۶ - ۱، سرمقاله‌ی منظر و برنامه ریزی شهری ۲۰۰۳: ۶۸، صفحه ۳۴۲ - ۳۳۱، ۱۹۹۰.
- لیتل سی ای، راه سبز برای آمریکا، نشریه دانشگاه جان هاپکینز، بالتیمور، مرلند، ۱۹۹۰.
- لینچ ام آر، "فرهنگ و توسعه شهری پایدار"، سازمان مطالعات دانشگاه ساکس، انگلیس، کمیسیون ملی یونسکو، ۱۹۹۸.
- لینچ کی، "تصویر شهر"، ترجمه‌ی منوچهر موزایانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۹۹۳.
- مک هارگ آی ال، "طراحی به کمک طبیعت"، نشریه نچرال هیستوری، باغ شهر نیویورک، آمریکا، ۱۹۶۹.
- سیمز آر ام، "تکامل راه های سبز به عنوان فرمی از منظر قابل قبول"، ۱۹۹۵.
- شارپلی آر، "گردشگری و نوسازی و توسعه در جزیره قبرس: چالش ها و واکنش های سیاسی"، ژورنال توریسم سوستینبل، ۲۰۱۱، صفحه ۲۶۵ - ۲۴۶، ۲۰۰۳.
- سیموز سی و دیب، "بازاندیشی در مفهوم برند"، "ارتباطات شرکتی در جهت گیری برند: ژورنال بین المللی"، صفحه ۲۲۴ - ۲۱۷، ۲۰۰۱.
- زوب ای اچ، برآش آر اُ، فابوس جی جی، "ارزیابی چشم انداز: ارزش، ادراک و منابع"، دودن و هاجینسون و روس، آمریکا، ۱۹۷۵.

یک عکاس

هادی نوید بیوگرافی و آثار



هادی نوید، شاید از معدود عکاسانی می‌باشد که در زمینه‌های مختلف، عکاسی کرده و صاحب سبک است. در تقسیم‌بندی‌های متداول بین‌المللی، معمولاً عکاسان در موضوع ویژه‌ای، دارای شهرت هستند: یونس علیشیری، (۱۳۹۳-۱۳۱۶) عکاس فقید در حوزه ورزش، فریدرضا صدیقی (۱۳۴۰)، عکاس جزءگرا در حوزه طبیعت)، الیوت فرنس پورتر (۱۹۰۱ متولد آمریکا- عکاس در حوزه طبیعت و پرندگان و موضوعات فرهنگی).

هادی نوید طی پنج دهه فعالیت هنری در زمینه عکاسی، موضوعات متنوعی را دنبال کرده است. حوزه ورزش، طبیعت، سینما و تئاتر، کوچه و خیابان، گوشه‌ای از تجربه گران‌بهای اوست که در سیمای او نقش بسته و مشهود است.

به همین بهانه، طی گفت‌وگوی مجازی، شرح حال و چرایی گرایشش به هنر عکاسی را جویا شدم.



هادی نوید خودش را اینچنین معرفی می‌کند:

... در زمستان سال ۱۳۳۴ در شهر مرزی سرخس به دنیا آمدم. به دلیل شغل پدرم، دوران تحصیلم در شهرهای مختلف از جمله تربت حیدریه، کرمان، بیرجند، سرخس و مشهد گذشت. سال ۵۴ وارد مدرسه عالی ساختمان شدم و تا خرداد ۵۶ تحصیلاتم را ادامه دادم. در مهر همان سال در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی ایران، قبول و تا سال ۱۳۶۲ به مشق معماری مشغول و از سال ۶۴ الی ۶۶ در شعبه اروپایی دانشگاه مریند، روابط بین‌الملل خواندم.



... علاقه شخصی من به عکاسی از سال ۱۳۴۸ شروع شد، به خاطر دارم، اولین دوربینم، یک دوربین پلاستیکی چینی به اسم "دیانا" بود که فقط توانستم سه حلقه فیلم با آن بگیرم و بعد لنزش جلو آفتاب وارفت! با توجه به وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده، قادر به خرید دوربین عکاسی نبودم. با قرض کردن دوربین از دوستان و آشنایان، عکاسی می‌کردم، و به سختی وقتی اولین نمایشگاه انفرادی را در سال ۱۳۵۶ به نام "چهره ایرانی" در مشهد برگزار کردم، هنوز دوربین نداشتم. در دوران دبیرستان با چند دوست علاقه‌مند دیگر "انجمن سینمای جوان مشهد" را با حمایت اداره کل فرهنگ و هنر خراسان پایه‌گذاری و به صورت گروهی به فیلمسازی هشت پرداختیم. در نهایت اواخر سال ۵۶، اولین دوربینم را خریدم، ولی دولتت، مستاجری بود و چند ماه بعد، دوربینم از داخل خودروی یکی از همکلاسی‌ها در دانشکده معماری به سرقت رفت. در طی سال‌های ۵۷ الی ۶۱ با برگزاری کلاس‌های آزاد عکاسی در دانشگاه شهید بهشتی و تعدادی از مساجد تهران به آموزش عکاسی پرداختم. اما بی‌تردید، رشته معماری، تاثیر بسیاری در عکاسی ساختمان و مناظر شهری داشته، پرسپکتیو بهتری در عکس‌های معماری من بوجود آورده است.

وی در ادامه، می‌گوید: همزمان با آموزش در کلاس‌های آزاد عکاسی، به عنوان مربی عکاسی و فیلمسازی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فعال بودم. در دهه ۶۰ و ۷۰ به دلیل فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و مشکلات شغلی، مدتی از عکاسی دور شدم. مدتی طولانی را هم به کارهای فرهنگی و انتشارات و تولید نرم‌افزارهای نشر رومیزی، طراحی قلم فارسی و این‌گونه کارها سرگرم شدم. اما هرگز، عشق عکاسی رهایم نکرد و از دهه ۸۰ با تمرکز مضاعف، عکاسی تئاتر و مستند اجتماعی را ادامه دادم. در طی این سال‌ها، چندین نمایشگاه انفرادی در ایران، روسیه و آلمان برگزار کردم، "سایه‌ها و لحظه‌ها"، "چهره‌های تئاتر"، "پرنده‌های من"، "غروب"، "خدای کشتار"، "ملودی شهر بارانی"، "ابیانه، روستای ایرانی" و "یک نظر". علاوه بر آن، در چندین نمایشگاه گروهی در ایران، روسیه، آمریکا، فرانسه و انگلیس نیز شرکت کردم. و موضوعات مختلفی چون: عکاسی صنعتی، ورزشی، استودیو، دورنما و... را تجربه کردم و در چندین جشنواره بین‌المللی نیز حضور داشتم. در کنار عکاسی، بحث آموزش، کارگاه‌های عکاسی، انتشار کتب عکاسی، همچنین، فعالیت جدی در عکاسی پروژه‌های خاص را پیگیر بودم. حرفه عکاسی، بازنشستگی ندارد. من در ۷۰ سالگی همان شوق دوران ۱۵ سالگی آغاز عکاسی‌ام را حفظ کردم و همچنان مشغول هستم.



هادی نوید برای نسل جوان که علاقه‌مند به هنر عکاسی است، پیشنهادی دارد: ... غرق در هر هنری، تنها با عشق ممکن است. با عشق، خستگی معنا نخواهد داشت. انسان با داشتن عشق، در اوج ناامیدی و در زمان شادی، به هنر روی می‌آورد. من در اوقاتی که بشدت خسته هستم با عکاسی، خستگی‌ام را از بین می‌برم، همینطور در اوقات شادی، توسط عکاسی، انرژی مضاعف پیدا می‌کنم. عشق به هنر مثل عشق به یک معشوقِ اثیری جاودانه زیبا و جاودانه جوان است که انسان هیچ‌گاه از او سیر نمی‌شود.

اگر این حس را به هر هنری داشته باشیم، هر روز حس خوبی خواهیم داشت. من همیشه برای دلم، برای خودم و برای عشقم عکاسی کرده‌ام. دنبال این نباشید که دیگران درباره کارتان چه می‌گویند، فقط حس و حال خودتان را ارضا کنید، شک نکنید که دیگرانی هم خواهد بود که از هنرتان لذت ببرند. و کلام آخر اینکه... عکس زیاد ببینید و عکس زیاد بگیرید.





برگزاری نمایشگاه

- نمایشگاه گروهی آن اف تی، نیویورک ۲۰۲۴ (NFT, NYC ۲۰۲۴)، نیویورک، فروردین ۱۴۰۳
- نمایشگاه گروهی با عنوان هنر- ورزش انجمن هنرمندان ایرانی، پاریس مرداد شهریور ۱۴۰۳
- نمایشگاه گروهی با عنوان (رنسانس)، انجمن هنرمندان ایرانی - سالن بین المللی شقایق، شامبورسی- فرانسه ۱۴۰۲ Renaissance, Salon International Coquelecot 3e edition AI A
- نمایشگاه گروهی هنر کریپتو آن اف تی، فیاف پاریس، مرداد ۱۴۰۲ Renaissance, Salon International Coquelecot 3e edition AI A
- نمایشگاه گروهی با عنوان همزیستی انجمن هنرمندان ایرانی پاریس، مهر ۱۴۰۱ Coexistence, Salon Coquelecot 2e edition AIA
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان، چشمک (Just a Glimpse)، مجموعه اکسپدیا، هامبورگ ۱۳۹۷
- نمایشگاه گروهی ده روز با عکاسان ایران دوره چهارم الی هفتم، ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۸
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان، غروب خانه هنرمندان، تهران، ۱۳۹۵
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان، ایبانه- روستای ایرانی (The Abyaneh- Iranian Village)، مرکز هنرها، مچتینو، با شکرستان، ۱۳۹۵
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان چهره های صحنه (Portraits on Stage)، در آکادمی هنر، اوفاء روسیه، ۱۳۹۴
- نمایشگاه گروهی با عنوان «عکاسی برزیل ایران و ترکیه»، مرکز هنری اسکایز، اوفاء، روسیه، ۱۳۹۳
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان، ایبانه- روستای ایرانی (The Abyaneh - Iranian Village)، آکادمی هنر، اوفاء، روسیه، ۱۳۹۳
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان «پرنده های من»، خانه هنرمندان، تهران، ۱۳۹۳
- اکسپو عکس تهران، ۱۳۹۳
- جشنواره بین المللی عکس طبیعت، انسان، فرهنگ، اوفاء، روسیه، ۱۳۹۱، ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۶
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان، ایبانه- روستای ایرانی (The Abyaneh - Iranian Village)، آکادمی هنر، اوفاء، روسیه، ۱۳۹۱

فعالیت های حرفه ای

- برگزاری کارگاه عکاسی در ششمین دوره، ده روز با عکاسان ایران تهران ۱۳۹۶
- تأسیس نشر نقطه، ۱۳۷۲
- همکاری با شرکت اپل اروپا، دیوان (انگلستان) و پاراگون (آمریکا) - بومی کردن نرم افزارهای نشر رومیژی، صفحه آرایی و واژه پرداز ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۲
- همکاری با شرکت اپل اروپا- طراحی و تولید قلم های فارسی و عربی برای سیستم عامل اپل مکینتاش - ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۲
- همکاری در پایه گذاری گروه جنگ صدا و سیما در سال ۱۳۶۰
- همکاری در پایه گذاری اولین انجمن فیلم سازی با نام انجمن سینمای جوان مشهد ۱۳۵۳

پروژه های عکاسی

- عکاسی از بیش از هزار نمایش روی صحنه از سال ۱۳۸۳ تاکنون
- عکاس پروژه تقویم عکس ۲۰۰۸ امارات متحده عربی، امارات، ۱۳۸۷
- عکاس پروژه کارت پستال های شرکت پرسپکتیو از امارات متحده عربی، ۱۳۸۷
- عکاس و طراح پروژه تقویم عکس ۲۰۰۷ دبی، امارات، ۱۳۸۶
- عکاس پروژه گروه معماری باغ تخت در پروژه های ایبانه و آقاعلی عباس، ایبانه و با درود، ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۲
- عکاسی نمایش و صحنه و برگزاری چند نمایشگاه عکس انفرادی و گروهی، برگزاری چندین کارگاه و سخنرانی در زمینه عکاسی صحنه، ۱۳۸۵ تاکنون.



عضویت در سازمان ها و مجامع هنری

- عضو هیئت داوران هفته عکس تئاتر، انجمن صنفی عکاسان تئاتر ایران، تهران، ۱۴۰۲
- بازرس انجمن عکاسان خانه تئاتر، از سال ۱۴۰۱
- عضو انجمن هنرمندان ایرانی، فرانسه، از سال ۱۴۰۰
- رئیس هیئت مؤسس انجمن صنفی عکاسان تئاتر ایران، ۱۳۹۹
- مدرس کلاس های عکاسی و فیلمبرداری آنلاین یونیسف در دوره کرونا، ۱۳۹۹
- عضو هیئت داوران عکاسی تئاتر، هفته تئاتر، تهران ۱۳۹۸
- عضو هیئت داوران بخش عکس هفتمین دوره، ده روز با عکاسان ایران، تهران، ۱۳۹۷
- عضو هیئت داوران مسابقه عکس تئاتر، سی و هفتمین جشنواره جهانی تئاتر فجر، تهران، ۱۳۹۷
- عضو انجمن عکاسان میراث فرهنگی ایران، از سال ۱۳۹۶
- عضو هیئت داوران مسابقه عکس انجمن سینمای جوان ایران، تهران، ۱۳۹۶
- عضو هیئت داوران مسابقه عکس تئاتر، سی و دومین جشنواره جهانی تئاتر فجر، تهران، ۱۳۹۳
- دبیر دومین جشنواره عکس آسمان، تهران، ۱۳۹۳
- عضو هیئت مدیره و بازرس انجمن عکاسان خانه تئاتر - ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹
- دبیر اولین جشنواره عکس آسمان، تهران، ۱۳۹۱
- عضو انجمن عکاسان آمریکا - ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶
- عضو دائمی سازمان بین المللی عکاسان آزاد از سال ۱۳۹۰
- مدرس عکاسی در مرکز آموزش هنری نویسا - ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۲
- مسئول واحد عکاسی و مدرس کلاس های آزاد عکاسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۵
- دبیر مسابقه بین المللی بنای یاد بود فاجعه حلبچه، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱
- مدیر پروژه کتاب های عکاسی انجمن سینمای جوان ایران، تهران، ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۶
- مدیر مرکز فعالیت های فرهنگی صدا و سیما در زاهدان، ۱۳۶۰ الی ۱۳۹۵
- مدرس و مربی فیلمسازی و عکاسی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران و زاهدان، ۱۳۶۰ الی ۱۳۸۵
- خبرنگار در آلمان، ۱۳۶۳ الی ۱۳۶۶
- خبرنگار آزاد روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۰

جوایز و افتخارات کسب شده

- نشان افتخار از شانزدهمین هفته تئاتر، تهران، ۱۳۹۸
- لوح تقدیر از پانزدهمین هفته تئاتر، تهران، ۱۳۹۷
- برنده اولین دوره جایزه آندره باسکاکف، اتحادیه عکاسان هنری روسیه، ۱۳۹۵
- دیپلم مقام دوم مسابقه عکس ایره مل ۲۰۱۶ مسکو، ۱۳۹۵
- بهترین عکاس بیست و پنجمین جشنواره بین المللی عکس: طبیعت انسان، فرهنگ، با شکرستان، روسیه، ۱۳۹۵
- گواهی افتخار برای فعالیت خلاقانه از بیست و پنجمین جشنواره بین المللی عکس: طبیعت، انسان، فرهنگ، با شکرستان، ۱۳۹۶
- گواهی افتخار برای فعالیت خلاقانه از بیست و چهارمین جشنواره بین المللی عکس: طبیعت، انسان، فرهنگ، با شکرستان، ۱۳۹۳

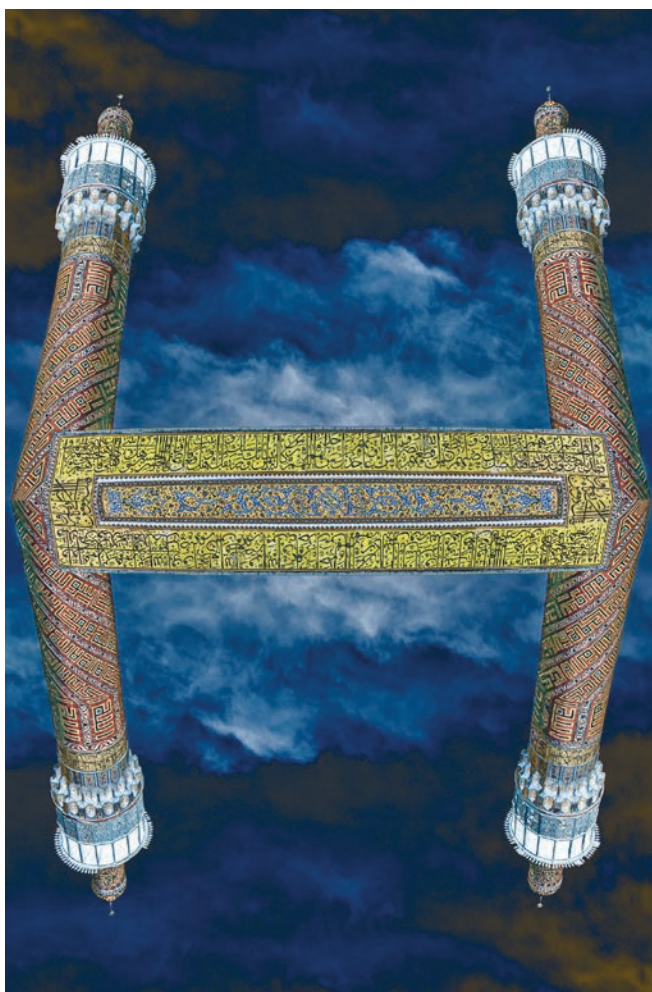
منابع و مآخذ:

- آرشیو شخصی
- آرشیو گروه تحقیق و مصاحبه معمار ملی

- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان، شب روی سنگفرش خیس، مرکز نمایش ایرانشهر، تهران، ۱۳۹۱
- بیست و پنج نمایشگاه گروهی عکس در تهران، تبریز، گرگان، لامرد، انگلستان، آمریکا، روسیه و فرانسه از سال ۱۳۹۰
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان «خدای کشتار»، گالری سالن نمایش، سایه، تهران، ۱۳۸۷
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان «چهره های تئاتر»، گالری نیکول، تهران، ۱۳۸۵
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان «سلامان و ابسال»، تئاتر شهر، تهران، ۱۳۸۵
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان «سایه ها و لحظه ها»، گالری نیکول، تهران، ۱۳۸۴
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان «ملودی شهر بارانی»، تئاتر شهر، تهران، ۱۳۸۴
- نمایشگاه عکس انفرادی با عنوان «چهره ایرانی»، گالری انجمن ایران و آمریکا، مشهد، ۱۳۵۶

انتشارات

- کتاب عکاسی پرسه در پاریس (Pass thru Paris)، ۱۳۹۶
- کتاب عکاسی شهروند با شکرستان (Citizen of Bashkortostan) (انگلیسی و روسی)، ۱۳۹۵
- کتاب عکاسی غروب (Sunset)، ۱۳۹۴
- کتاب عکاسی طعم عسل - عطر مهربانی، سفری به باشکرتستان، ۱۳۹۳ (Taste of Honey, Scent of Cordiality: A Travel to Bashkortostan)



دوره شانزدهم جایزه معماری آقاخان (۱۴۰۳-۱۴۰۴)

مقدمه

جایزه معماری آقاخان هر سه سال یکبار برگزار می‌شود و پروژه‌هایی که در حوزه های معماری- برنامه‌ریزی- حفظ میراث تاریخی و معماری منظر، استانداردهای جدیدی را مطرح می‌کنند، توسط هیئت امنای بررسی و سپس برای داوری نهایی به داوران ارشد مسابقه معرفی می‌شوند.

اساس فرآیند داوری در رسیدن به نتیجه مطلوب، بررسی پروژه‌ها از طریق بازدید میدانی است. بازدید از پروژه، علاوه بر امکان درک عمیق از طرح، امکان گفت‌وگو با ارکان پروژه (کارفرما، طراح و بهره‌بردار) را فراهم می‌کند. معیار قضاوت، مطالعه دقیق روند و برنامه‌ریزی طراحی، مراحل و چگونگی اجرای پروژه به همراه بررسی جزئیات کامل بعنوان سند و مرجع مستدل خواهد بود. اسنادی که صرفاً متکی بر نقشه و عکس نیست.

علیرغم اینکه، برخی از پروژه‌ها، مبتنی بر جامعه خودشان هستند، اما بررسی مسائل اقتصادی و اجتماعی، فناوری، اکولوژی، مصالح، سیاست، فرصت‌های شغلی و حتی منابع مالی پروژه کاملاً بررسی می‌گردد. طبعاً، فرآیند بررسی موارد گفته شده، عمدتاً در پروژه‌های فرهنگی و عمومی دیده می‌شود.



معیار و ضوابط پذیرش (دوره شانزدهم ۱۴۰۳-۱۴۰۴)

- پروژه‌های واجد شرایط بررسی در دوره جایزه ۱۴۰۴، می‌بایست بین تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۹۶ تا ۱۰ دی ماه ۱۴۰۲ تکمیل شده و حداقل یک سال کامل از بهره‌برداری آنها گذشته باشد.
- پروژه‌های تاثیرگذار بر محیط زندگی و زیست جوامع.
- پروژه‌های معماری از ساختمان‌های کوچک تا مجتمع‌های بزرگ - خانه‌های مجردی، ایستگاه‌های اتوبوس - ساختمان‌های آموزشی کوچک تا آسمان‌خراش‌ها - زیرساخت‌های مرتبط با حمل‌ونقل - پردیس‌های آموزشی و بهداشتی - شهرهای جدید - پروژه‌ها و طرح‌های شهری.
- پروژه‌های بزرگ و خلاقانه بلند مدت و در حال اجرا، مانند طرح‌های جامع - پروژه‌های بازآفرینی و احیای بافت منطقه در صورت تکمیل موفقیت‌آمیز بخش قابل ملموسی از آن.
- پروژه‌های مرتبط با حاشیه شهرها - فضاهای عمومی به ویژه، ارائه پروژه‌های روستایی.

بر اساس سیاست و ضوابط، هیچ پروژه‌ای نمی‌تواند از طریق بنیاد آقاخان و سازمان‌های زیرمجموعه و همچنین پروژه‌هایی که توسط اعضای فعلی کمیته راهبری جایزه و هیئت داوران اصلی و یا توسط هیئت‌ها یا کارمندان مرکز فرهنگ و شبکه توسعه آقاخان انجام می‌شوند، معرفی گردند. اسامی و مشخصات کلیه نامینیتورها، محفوظ بوده و نباید منتشر گردد.



آزرا آکشمیجا



نوره السایه هولتروپ



لوسیا آلیس



دیوید باسلتو



ایوان فارل



کاباگ کارانجا



یاکوبا کوناته



حسن رادوین



مام ام وونگ

هیئت داوران جایزه معماری آقاخان ۲۰۲۵

نوره السایه هولتروپ، مسئول انتخاب برندگان جایزه معتبر یک میلیون دلاری معرفی شدند. هیئت داوران در دی ماه سال ۱۴۰۳ برای ارزیابی و اعلام لیست کوتاه، از صدها نامزد در سراسر جهان تشکیل جلسه خواهند داد.

اعضای هیئت داوران دوره شانزدهم جایزه معماری آقاخان

- آزرا آکشمیجا، استاد و مدیر برنامه هنر، فرهنگ و فناوری در موسسه فناوری ماساچوست، بوستون، ایالات متحده آمریکا.
 - نوره السایه هولتروپ، مشاور پروژه های میراث در اداره فرهنگ و آثار باستانی بحرین، منامه، بحرین.
 - لوسیا آلیس، مدیر مرکز بوئل، دانشکده تحصیلات تکمیلی معماری، برنامه ریزی و مرمت دانشگاه کلمبیا، نیویورک، ایالات متحده آمریکا.
 - دیوید باسلتو، بنیانگذار آرک دیلی، سانتیاگو، شیلی و برلین، آلمان.
 - ایوان فارل، آکادمی معماری، مندریسو، سوئیس؛ بنیانگذار و شریک دفتر معماران گرافتون، دوبلین، ایرلند.
 - کاباگ کارانجا، یکی از بنیانگذاران دفتر غار، نایروبی، کنیا. استادیار طراحی معماری، دانشگاه ییل، نیوهون، ایالات متحده آمریکا.
 - یاکوبا کوناته، استاد فلسفه دانشگاه فلیکس آبیجان، آبیجان، ساحل عاج.
 - حسن رادوین، مدیر کل و استاد تمام برنامه ریزی یکپارچه سرزمینی و شهرهای هوشمند، دانشگاه پلی تکنیک محمد ششم، رباط، مراکش.
 - مام ام وونگ، استاد عملی، گروه معماری، دانشکده طراحی و مهندسی، دانشگاه ملی سنگاپور. شریک بنیان گذار گروه معماری ووها.
- شرح حال و سوابق حرفه ای اعضای هیئت راهبردی و اعضای هیئت داوران در شماره اتی مجله، همزمان با معرفی برندگان دوره شانزدهم، ارائه می گردد.



اعضای کمیته راهبری جایزه معماری آقاخان ۲۰۲۵



حضرت والا آقاخان رییس هیئت مدیره



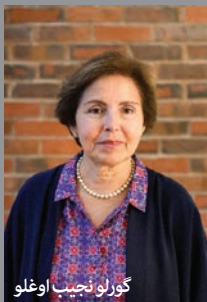
میسیابا آیانه



سلیمان بشیر دیانگه



سارا ام وایتینگ



کوریل نجیب اوغلو



لسلی لوکو



هاشم سرکیس

تقویم زمانی دوره شانزدهم ۱۴۰۳-۱۴۰۴ (مراحل ۷ گانه)

- نهم مهر ۱۴۰۲ الی ۲۴ مهر ۱۴۰۳: شناسایی و معرفی پروژهها
- دوازدهم خرداد ۱۴۰۳ الی ۲۵ آبان ۱۴۰۳: ارائه اسناد پروژه
- دی ماه ۱۴۰۳: جلسه هیئت داوران اول
- بهمن و اسفند ماه ۱۴۰۳: بازدید و بررسی پروژه در محل
- خرداد ماه ۱۴۰۴: فهرست نهایی نامزدها
- تیر ماه ۱۴۰۴: جلسه هیئت داوران ارشد
- پاییز ۱۴۰۴: اعلام برندگان و مراسم اهدای جوایز

شناسایی و معرفی

در این مرحله، پروژه‌ها، توسط مخاطبین ویژه، تحت عنوان "نامینیتور" شامل: معماران، محققان، پژوهشگران، افراد فعال و آشنا با تحولات معماری روز در جوامع اسلامی، معرفی می‌شوند. طی یک برنامه‌ی موازی، تحت عنوان «شناسایی» با دعوت از افراد و موسسات معتبر و شناخته شده و تکمیل فرم‌های ارسالی آنلاین، پروژه‌های واجد شرایط، بصورت مستقیم به دفتر جایزه معماری آقاخان ارسال می‌گردد. معماران، طراحان و سایر عوامل پروژه نیز، می‌توانند پروژه‌های خود را معرفی و ارسال کنند. پروژه‌های ارسال شده به دفتر جایزه معماری آقاخان برای بررسی نامینیتورها، ارسال می‌شوند. تکمیل فرم‌های مربوطه و ارسال آن به دفتر جایزه، از روش‌های زیر خواهد بود:

- ایمیل : akaa@akdn.org
- دفتر جایزه معماری آقاخان
- صندوق پستی ۲۰۴۹ ۱۲۱۱ ژنو ۲ - سوئیس

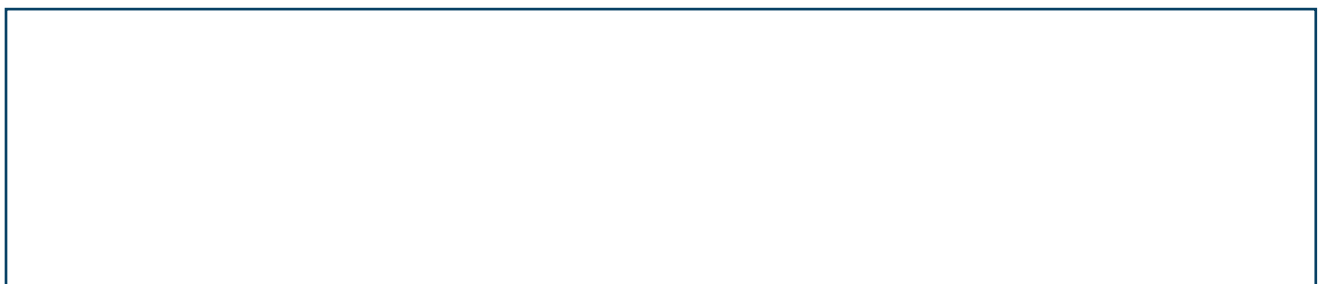


مستندات

پس از انجام و ارسال فرم‌های ثبت نام، برای کلیه شرکت‌کنندگان، بسته مستندات، ارسال می‌گردد. اطلاعات مندرج در این بسته شامل: مشخصات پروژه - تصاویر و نقشه‌های پروژه - تکمیل پرسشنامه فنی، حاوی: نوع کاربری، مشخصات هزینه، تاثیر عوامل محیطی و اقلیمی، نوع مصالح مصرفی، برنامه زمانبندی اجرا، چگونگی بهره‌برداری و نگهداری حین بهره‌برداری، مهمتر از همه، اصول و مفاهیم طراحی و اهمیت پروژه است. کلیه شرکت‌کنندگان می‌بایست اطلاعات فوق را بطور دقیق تشریح و جهت بررسی ارکان جایزه، ارائه نمایند.

یادداشت

جایزه معماری آقاخان بخشی از بنیاد فرهنگی آقاخان، یکی از نهادهای شبکه توسعه آقاخان است. بنیاد فرهنگی آقاخان، مسئولیت حفظ و ترویج میراث فرهنگی و مادی جوامع مسلمان را برعهده دارد. فرهنگی که در افزایش امید و رشد چشم‌اندازهای اقتصادی جوامع آسیب‌پذیر، نقش محوری دارد. از برنامه‌های این بنیاد، احیای شهرهای تاریخی جهان اسلام از نظر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. این بنیاد، طی سه دهه گذشته، بازسازی مناطق تاریخی شهرهایی چون: قاهره، کابل، هرات، حلب، دهلی، زنگبار، موستار، شمال پاکستان، تیمبوکتو و موپتی (در کشور مالی) را بر عهده داشته است. از دیگر برنامه‌های این بنیاد، جایزه موسیقی آقاخان است؛ برنامه‌ای آموزشی، هنری در سطح بین‌المللی در حوزه موسیقی و هنرهای تجسمی، شامل: اجرا، تعامل، مشاوره و تولیدات هنری. برنامه آموزشی این بنیاد با هدف افزایش آگاهی جوانان درباره فلسفه و ارزش‌هایی که پشتوانه تلاش‌های بنیاد هستند شکل گرفته است. همچنین، موزه آقاخان در تورنتوی کانادا، فضایی است برای معرفی آثار تاریخی، باستانی و فرهنگ کهن کشورهای اسلامی.



کلیه حقوق مادی و معنوی این مجله متعلق است به
گروه تحقیق و مصاحبه‌ی معیار ملی - ۱۳۰۳

معیاری

فلسفی